

اصول مدیریت سرمایه

تعریف سرمایه گذاری:

واژه سرمایه گذاری می‌تواند دامنه وسیعی از فعالیتها را شامل شود. این واژه می‌تواند شامل سرمایه گذاری در گواهی سپرده، اوراق قرضه، سهام عادی یا صندوق های مشترک سرمایه گذاری و ... باشد. سرمایه‌گذاری می‌تواند دارای درجات مختلف ریسک‌پذیری باشد و هر فردی خواه شخصی با تحصیلات دانشگاهی و خواهی یک شهروند عادی می‌تواند با توجه به شرایط خود از تصمیمات سرمایه‌گذاری استفاده کند.

سرمایه گذاری عبارت است از تبدیل وجوه مالی به یک یا چند نوع دارایی که برای مدتی در زمان آتی نگهداری خواهد شد. بنابراین سرمایه‌گذاری مستلزم مطالعه فرایند سرمایه‌گذاری است. سرمایه‌گذاری مستلزم مدیریت ثروت سرمایه‌گذاران است. این ثروت شامل مجموع درآمد فعلی و ارزش فعلی درآمدهای آتی است. براین ارزش فعلی و مفهوم بهره مرکب می‌تواند نقش مهمی در فرآیند سرمایه‌گذاری داشته باشد. اگرچه سرمایه گذاری دارای جنبه های مختلفی است ولی دو جنبه از آن حائز اهمیت است: ((تجزیه و تحلیل)) و ((مدیریت سرمایه گذاری)).

ماهیت سرمایه گذاری:

سرمایه گذاری وجوه مالی در دارایی های مختلف تنها بخشی از کل تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های مالی است که اغلب افراد انجام می‌دهند. قبل از اینکه افراد سرمایه‌گذاری انجام دهند هر فردی باید یک طرح کلی مالی را تنظیم کند. این چنین طرحی باید دربرگیرنده تصمیم گیری های مربوط به انجام معامله باشد. به علاوه در خصوص نحوه مالکیت، طول عمر دارایی و میزان و سودآوری آن مدنظر قرار گیرد و همچنین سوال‌هایی از قبیل:

چه میزان پول؟

چه زمینه ای؟

با چه میزان ریسک؟

چه مدت زمان؟

با چه روش یا استراتژی؟

با چه هدفی؟

بایستی قبل از اقدام به سرمایه‌گذاری پاسخ آنها توسط سرمایه‌گذار تعیین شده باشد

چرا سرمایه‌گذاری می‌کنیم؟

سرمایه‌گذاری برای کسب پول صورت می‌گیرد! اگرچه هر فردی با این عبارت موافق است، با این حال باید در آن دقیق‌تر شویم. ما به این خاطر سرمایه‌گذاری می‌کنیم که رفاه و آسایش فعلی و آتی خود را بهبود ببخشیم. افراد سعی می‌کنند از طریق صرفه جویی در مصرف امروز خود و پس انداز آن بتوانند مصرف آتی خود را بهبود ببخشند. سرمایه‌گذاران سعی می‌کنند ثروت و دارایی خود را به نحو موثری مدیریت کنند تا بتوانند با محافظت آن از عواملی همچون تورم مالیات و سایر عوامل بیشترین بازده را کسب نمایند. با این توضیح مشخص می‌شود که ما در ایران بیشتر به سرمایه‌گذاری نیازمندیم تا بتوانیم نتیجه و دسترنج زحماتمان را از کاهش ارزش محافظت کنیم.

اهمیت سرمایه‌گذاری

با توجه به رشد چشم‌گیر شاخص‌های بازار سهام طی سالیان اخیر، صاحبان سرمایه‌های خرد و کلان از اقشار مختلف و با هر میزان تخصص مالی، وارد بازار سرمایه شده‌اند. هرچند گزینه‌های مطمئن‌تری نظیر صندوق‌های سرمایه‌گذاری هم وجود دارند اما، بسیاری از افراد به دلایل مختلف ترجیح می‌دهند که خودشان مستقیماً در بازار به خرید و فروش سهام بپردازند.

به منظور سرمایه‌گذاری آگاهانه، باید پیش از ورود به بازار آموزش دیده و ارکان اصلی فرآیند معامله‌گری یعنی **تحلیل، روانشناسی و مدیریت سرمایه** را به خوبی فرا بگیرید. یادگیری این مفاهیم، از طریق آموزش‌های تئوری و تجربه معامله‌گری در بازار بورس، حاصل می‌شود. در این میان، بخش مدیریت سرمایه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا، مستقیماً با بقای افراد در بازار مرتبط بوده و به گونه‌ای می‌توان آن را ضامن حفظ و رشد سرمایه معامله‌گران دانست. برای پیاده‌سازی قوانین مدیریت سرمایه در بازار بورس، عملکرد سیستماتیک و تفکر منطقی فرد الزامی است. قطعاً معامله‌گری که این مفهوم را به خوبی درک نموده و اجرایی کند، از آرامش روحی بیشتری حین داد و ستد برخوردار است زیرا، با درنظر گرفتن تمام ریسک‌های ممکن اقدام به سرمایه‌گذاری می‌نماید و همین موضوع یکی از سنگ بناهای اصلی موفقیت در بازار مالی است

همه مردم به نوعی دارای ثروت هستند که ناشی از ارائه خدمات آنان در بازار کار است. اغلب مردم در بیشتر مواقع تصمیم‌گیری‌هایی را در خصوص سرمایه‌گذاری در زندگی خود انجام می‌دهند. برای مثال برخی از کارگران راجع به اینکه آیا وجوه مربوط به بازنشستگی خود را در سهام سرمایه‌گذاری کنند یا در اوراق قرضه، تصمیماتی را اتخاذ می‌کنند. ی دیگر از افراد به دنبال حداکثر کردن بازده پس‌انداز خود از طریق سرمایه‌گذاری در گزینه‌های دیگر هستند مانند شرکت در طرح‌های

بازنشستگی. این قبیل فعالیت ها نشانه توجه مردم به نیاز به سرمایه‌گذاری است. چرا که اغلب مردم مبالغی را به صورت ماهانه برای دوران بازنشستگی پس انداز می کنند ولی حالا همین افراد منابع مالی خود را در طرح های بازنشستگی و موارد مشابه سرمایه گذاری می کنند بنابراین در این حالت نتیجه تصمیم گیری که فرد انجام می دهد اعم از سود یا زیان بر روی مزایا و منافع بازنشستگی و تاثیر می گذارد و همین عامل دلیل بسیار مهمی برای مطالعه موضوعات سرمایه‌گذاری است.

افراد در تجزیه و تحلیل هایی که انجام می دهند در نهایت امید دارند که با توجه به ریسک سرمایه‌گذاری بازده مناسب با آن را به دست آورند. مطالعه دقیق تجزیه و تحلیل سرمایه گذاری و اصول مدیریت سرمایه می تواند باعث مدیریت بهتر و افزایش ثروت سرمایه‌گذار شود. به علاوه انتظار می رود افراد با مطالعه اصول سرمایه‌گذاری تا آنجایی که ممکن است از اشتباهات جلوگیری کرده و آگاهانه تصمیم گیری نمایند.

همچنین مطالعه سرمایه گذاری باعث ایجاد حرفه و مشاغل نیز می شود کسانی که می خواهند در این زمینه به صورت حرفه ای این مشغول شوند باید به مطالعه سرمایه‌گذاری بپردازند. کسانی که در زمینه سرمایه‌گذاری دارای مهارت هستند می توانند نسبت به افراد عادی از سود بیشتری برخوردار باشند. علاوه بر این مدیرانی که در خصوص سرمایه گذاری و تجزیه تحلیل اوراق بهادار صاحب نظر هستند دارای فرصت های شغلی زیادی می باشند. موسسات مالی از قبیل شرکت های کارگزاری و بانک های سرمایه‌گذاری اعم از بانک ها و شرکت های بیمه و خدمات تجزیه تحلیل گران سرمایه گذاری نیازمند می باشند. شرکت های کارگزاری با استفاده از تجربه تحلیل گران، به ارائه خدمات به مشتریان از طریق ارائه گزارش های تحقیقی می پردازند. بانک های سرمایه گذاری سعی می کنند از طریق تجزیه و تحلیل گران کارآمد به فروش اوراق بهادار جدید و ارزیابی شرکتها برای کسب مشتریان جدید بپردازند. بانکها و شرکت های بیمه مالک پرتفولیوی از اوراق بهادار دارند و برای اینکه به خوبی اداره شوند باید درست ارزیابی شوند. صندوق های مشترک سرمایه گذاری با استفاده از تجزیه و تحلیل افراد خبره برای خرید و فروش سهام به ارزیابی و اوراق بهادار می پردازند.

همه این موسسات مالی که درباره آنها در بالا بحث شد برای مدیریت سبد دارایی های اوراق بهادار خود نیازمند مدیران سرمایه گذاری می باشند. مدیران سرمایه گذاری مسئول اخذ تصمیمات مناسب در خصوص سبد دارایی و خرید و فروش اوراق بهادار هستند. آنها باید به سوالاتی از قبیل چه چیزی باید بخرند، چه چیزی باید بفروشند و چه موقع خرید و فروش نمایند و اینکه چه میزان خرید و فروش کنند. عملکرد این مدیران از روی وضعیت سبد دارایی شرکت برآورد می شود و میزان موفقیت این مدیران را میتوان از روی وضعیت سبد دارایی آن شرکت فهمید.

فرآیند سرمایه گذاری

بیان فرایند سرمایه گذاری در یک حالت منسجم، مستلزم تجزیه و تحلیل ماهیت اصلی تصمیمات سرمایه گذاری است. در این حالت، فعالیت های مربوط به فرآیند تصمیم گیری تجزیه شده، عوامل مهم در محیط فعالیت سرمایه گذاران که بر روی تصمیم گیری آنها تاثیر می گذارد، مورد بررسی قرار می گیرد. در سالهای اخیر سهام عادی نسبت به پس انداز و سایر اوراق بهادار از بازده بالایی برخوردار بود. آیا در این حالت همه سرمایه گذاران برای کسب بازده بیشتر در سهام عادی سرمایه گذاری کنند؟ جواب این سوال این است که بازده بالا همواره ریسک بالایی را نیز به دنبال دارد و تمامی تصمیمات سرمایه گذاران بر اساس روابط میان ریسک و بازده صورت می گیرد. بنابراین، اولین کار، بررسی روابط میان ریسک و بازده سرمایه گذاری و تعیین روابطی است که میان آنها وجود دارد.

فرایند تصمیم گیری به طور سنتی در یک فرآیند دو مرحله ای صورت می گیرد: ؟

«تجزیه و تحلیل اوراق بهادار» و «مدیریت سبد دارایی».

تجزیه و تحلیل اوراق بهادار شامل ارزیابی اوراق بهادار است، در حالی که **مدیریت سبد دارایی** شامل مدیریت مجموعه سرمایه گذاری های یک سرمایه گذار در قالب سبد دارایی ها با ویژگی های منحصر به خود می باشد.

آخرین مرحله، بررسی عوامل مهم بیرونی است که بر تصمیمات سرمایه گذاران تاثیر می گذارد.

ماهیت اصلی تصمیمات سرمایه گذاری

بازده: چرا سرمایه گذاری می کنیم ؟ به عبارت ساده می توان گفت سرمایه گذاران می خواهند از پول خود سودی را کسب نمایند. وجه نقد دارای یک هزینه فرصت از دست رفته است، در صورتی که وجه نقد را نگهداری کنید فرصت کسب سود از طریق آن وجه نقد را از دست خواهید داد. به علاوه، در یک فضای تورمی، قدرت خرید پول کاهش می یابد، به عبارت دیگر وقتی نرخ تورم بالا باشد قدرت خرید به سرعت کاهش می یابد.

ریسک: سرمایه گذاران دوست دارند بازده آنها تا جایی که امکان داشته باشد زیاد باشد ولی باید توجه داشت که میزان بازده تحت تاثیر ریسک قرار دارد.

ریسک دارای انواع مختلفی است و به همین دلیل تعاریف متعددی دارد در اینجا ریسک عبارت است از میزان اختلاف بازده واقعی یک سرمایه گذار از بازده مورد انتظار آن. با توجه به این تعریف می توان گفت بازده اسمی مورد انتظار اوراق قرضه اسلامی هیچ ریسکی ندارد.

حال این سوال پیش می آید که آیا سرمایه گذاران از ریسک نفرت دارند؟ معمولاً در اقتصاد و به خصوص در سرمایه گذاری فرض بر این است که سرمایه گذاران منطقی عمل می کنند. بنابراین سرمایه گذاران منطقی، اطمینان را به عدم اطمینان ترجیح می دهند و طبیعی است که در این حالت می توان گفت سرمایه گذاران نسبت به ریسک علاقه ای ندارند. به عبارت دقیق تر باید گفت که سرمایه گذاران ریسک گریزند یک سرمایه گذار ریسک گریز کسی است که در ازای قبول ریسک، انتظار دریافت

بازده بیشتری دارد. توجه داشته باشید که در این حالت پذیرفتن ریسک یک کار غیر منطقی نیست، اگر چه میزان ریسک خیلی زیاد باشد. چون در این حالت انتظار بازده بالایی نیز وجود دارد. در واقع، سرمایه گذاران به طور منطقی نمی توانند انتظار داشته باشند که بدون قبول ریسک بالا، بازده بالایی کسب کنند.

سرمایه گذاران با توجه به ریسک پذیری خود دست به سرمایه گذاری می زنند . سرمایه گذارانی که ریسک بالایی را قبول می کنند انتظار بازده بالایی را نیز دارند و برعکس سرمایه گذارانی که ریسک پایینی را قبول می کنند و انتظار بازده پایینی را دارند. سرمایه گذاران منطقی ریسک بالایی را نمی پذیرند مگر اینکه انتظار داشته باشند این ریسک با بازده بالا جبران شود. بازده مورد انتظار باید به اندازه کافی بالا باشد تا بتواند ریسک بیشتر را جبران کند، با این حال هیچ تضمینی وجود ندارد که بازده اضافی حتماً حاصل خواهد شد.

ساختار فرایند تصمیم گیری

سرمایه گذاران می توانند تلاش کنند از میان طیف وسیعی از اوراق بهادار، آنهایی را که دارای بازده مورد انتظار بالایی هستند انتخاب کنند . با این حال آنها در این انتخاب ، ریسک را در نظر می گیرند . سرمایه گذاران با استفاده از فرآیند دو مرحله ای زیر اوراق بهادار را مورد تجزیه و تحلیل و مدیریت قرار می دهند:

«تجزیه و تحلیل اوراق بهادار» و «مدیریت سبد دارایی»

تجزیه و تحلیل اوراق بهادار : این مرحله اولین قسمت فرآیند تصمیم گیری سرمایه گذاری است و شامل ارزیابی و

تجزیه و تحلیل اوراق بهادار به صورت جداگانه است که به آن تجزیه و تحلیل اوراق بهادار گفته می شود. تجزیه و تحلیل اوراق بهادار، معمولاً توسط موسسات سرمایه گذاری به کار گرفته می شوند. البته، میلیون ها نفر به صورت غیر حرفه ای در خصوص سرمایه گذاری انفرادی و به تجزیه و تحلیل می پردازند.

ارزیابی و اوراق بهادار کار وقت گیر و دشواری است. در این کار ابتدا باید ویژگی های اوراق بهادار مختلف و عوامل تاثیرگذار بر آن ها را شناسایی کرد . در مرحله بعد ، به منظور برآورد و تخمین قیمت یا ارزش این اوراق بهادار باید یک مدل ارزشیابی را به کار گرفت . ارزش اوراق بهادار تابعی است از بازده های مورد انتظار آتی اوراق بهادار و ریسک آن . هر یک از دو پارامتر بازده مورد انتظار و ریسک باید برآورد شده و سپس با هم در مدل آورده شود.

فرآیند ارزشیابی اوراق قرضه معمولاً آسان تر است برای اینکه بازدهی آن مشخص است ریسک آن را می توان از طریق داده ها و اطلاعات موجود برآورد کرد. با این حال، این به آن معنا نیست که تمامی مسائل مربوط به تجزیه و تحلیل اوراق قرض به آسانی قابل حل است نرخ بهره اولین عاملی است که بر قیمت اوراق قرضه تاثیر می گذارد، با این حال کسی نمی تواند به طور ثابت تغییرات این را پیش بینی کند.

فرآیند ارزشیابی سهام عادی پیچیده‌تر از اوراق قرضه است. برای اینکه در این حالت سرمایه گذار با کل اقتصاد، صنعت مربوطه و شرکت خاص سر و کار دارد. در فرایند ارزشیابی سهام عادی هم بازده مورد انتظار و هم ریسک آن باید برآورد شود

مدیریت سبد دارایی: دومین جزء مهم فرآیند تصمیم‌گیری مدیریت سبد دارایی است. بعد از اینکه اوراق بهادار مورد ارزشیابی قرار گرفتند بایستی یک سبد از مجموعه سرمایه‌گذاری انتخاب شود.

یک سرمایه گذار موفق و هوشیار همیشه به دنبال اصلاح سبد دارایی خود است. این کار باعث مطرح شدن سوالات مهمی میشود. اگر سرمایه گذاری استراتژی فعالانه ای را در پیش بگیرد، در آن زمان بحث کارایی بازار مطرح می‌شود. اگر قیمتها، به سرعت و به طور کامل منعکس کننده اطلاعات باشد، در آن حالت سرمایه گذاران باید در خصوص نحوه تاثیر آن بر تصمیمات خرید و فروش بررسی های لازم را انجام دهند. حتی اگر سرمایه‌گذاران یک استراتژی منفعلانه ای را در پیش بگیرند باز هم در خصوص سولاتی از قبیل مالیات ها، هزینه های انتقال، نگهداری سطح مطلوب ریسک و سایر موارد، بررسی های لازم را انجام دهند.

عوامل خارجی تاثیر گذار بر فرایند تصمیم گیری

سرمایه گذاران آگاه بایستی از این واقعیت مطلع باشند که فرایند تصمیم‌گیری مربوط به سرمایه گذاری می تواند خسته کننده و مشکل ساز باشد. با این حال، بدون توجه به فعالیت های افراد، عوامل مشخصی در محیط سرمایه‌گذاری بر تمامی سرمایه‌گذاران تاثیر می‌گذارد. سرمایه‌گذاران باید این عوامل را در تمامی طول فرآیند تصمیم گیری در ارتباط با سرمایه گذاری مد نظر قرار دهند

1- عدم اطمینان:

اولین عاملی که سرمایه‌گذاران باید مد نظر قرار دهند شرایط عدم اطمینان است. سرمایه گذاران با این امید دارایی‌های مالی را می‌خرند که انتظار دارند در طول چند دوره بعد، بازده کسب کنند. این بازی را می‌توان پیش بینی کرد، اگرچه ممکن است بازده پیش‌بینی شده محقق نشود. واقعیت این است که بازده یک سهام و ریسک آن را می‌توان پیش‌بینی کرد ولی آنچه که در واقعیت رخ می‌دهد ممکن است با میزان بازده پیش بینی شده متفاوت باشد.

برآورد ها و تخمین ها در بهترین حالت، مبهم و در بدترین حالت، کاملاً اشتباه هستند. همه سرمایه گذاران می‌توانند برای پیش بینی بازده و ریسک تا آنجا که می‌توانند فعالیت کنند و یا سعی نمایند شرایط و وضعیت را عوض کنند. این سرمایه گذاران برای پیش بینی، از داده‌های مربوط به گذشته استفاده می‌کنند. سرمایه‌گذاران اغلب این داده ها را تجزیه و تحلیل می‌کنند تا بتوانند از آنها در راستای اهداف خود استفاده کنند. جدای از اینکه سرمایه‌گذاران تا چه حد دقیق و مطلع هستند باید گفت که آینده ناشناخته است و همیشه احتمال وقوع اشتباهاتی وجود دارد. بنابراین تمام سرمایه گذاران تحت تاثیر ضریب عدم اطمینان قرار می‌گیرند. ممکن است کسی از آنچه در گذشته خرید و فروش کرده آگاهی داشته باشد، ولی هیچ کس نمی‌تواند موفقیت سبد دارایی شما را برای سال آینده تصمیم کند. عوامل غیر منتظره ممکن است بر بازار سهام تاثیر بگذارد. نرخ های بهره را، که مهمترین عامل تاثیرگذار بر اوراق قرضه از است، توان با درجه ثبات بالایی پیش‌بینی کرد. هیچکس حتی متخصصین حرفه ای نمی‌تواند با اطمینان کامل پیش بینی می‌کنند که در بازار مالی چه اتفاقی خواهد افتاد! متخصصین حرفه ای فقط پیشنهاداتی را ارائه می‌کنند.

اگرچه عدم اطمینان همیشه وجود دارد ولی همیشه با ضرر و زیان همراه نیست. سرمایه گذاران در شرایط عدم اطمینان می توانند قضاوت های منطقی را در خصوص پیامدهای فرصت های سرمایه گذاری ارائه کنند. با این حال پیش بینی آنها در مورد و اوراق بهادار ریسک دار نمی تواند کاملاً صحیح باشد.

تمیم گیری در خصوص سرمایه گذاری آمیخته ای است از علم و هنر. برای نیل به موفقیت در امر سرمایه گذاری باید تصور کنیم که چه چیزی امکان دارد رخ دهد. ما در خصوص وقایع گذشته آگاهی داریم ولی نمی توان گفت که گذشت دوباره تکرار خواهد شد.

اگرچه آینده با عدم اطمینان همراه است ولی این عدم اطمینان قابل مدیریت است و با استفاده از فهم اساسی سرمایه گذاری، سرمایه گذاران می توانند هوشیاری لازم جهت مدیریت عدم اطمینان را کسب کنند. به علاوه سرمایه گذاران می توانند با کمک تکنیک ها و ابزارهایی که وجود دارد و تصمیمات بهتری را اتخاذ کنند. اگر چه استفاده از این تکنیک های جدید، پیچیده به نظر می رسد، با این حال می توانند بینش جدیدی را در خصوص فرآیند تصمیم گیری ارائه کنند

2 - عرصه سرمایه گذاری جهانی:

امروزه سرمایه گذاران بیش از هر زمان دیگری باید در خصوص سرمایه گذاری، نسبت به مفهوم جهانی آن توجه کنند. اگر چه در سال های قبل توجه چندان زیادی به سرمایه گذاری خارجی نمی شد ولی امروز با تشکیل بازارهای جهانی و ایجاد فرصت های سرمایه گذاری، سرمایه گذاران خودشان را محدود به بازارهای داخلی نمی کنند. چرا وقتی که شما می توانید از طریق سرمایه گذاری خارجی، بازده خود را افزایش و یا ریسک خود را کاهش دهید باید خود را محدود به فرصت های داخلی یک کشور کنید؟

بازارهای خارجی به سرعت پیشرفت می کنند مثل بازار چین و یا بازار ارز های دیجیتال.

چرا سرمایه گذاران به سرمایه گذاری خارجی روی می آورند ؟

اولاً برای این که درآمد حاصل از سرمایه گذاری بالاست.

دوم اینکه نرخ بازده اوراق خارجی بیشتر از بازارهای داخلی است. بنابراین سرمایه گذاران از طریق سرمایه گذاری خارجی می توانند به بازده بیشتری دست پیدا کنند.

سوم اینکه سرمایه گذاران از طریق سرمایه گذاری در اوراق بهادار در کشورهای خارجی باعث تنوع سهام خود و کاهش ریسک سرمایه گذاری خود می شوند.

ایجاد تنوع با استفاده از سرمایه گذاری خرید سهام خارجی یا سایر بازارهای بین المللی باعث کاهش بیشتر ریسک خواهد شد.

3 - سرمایه گذاری فردی در مقابل سرمایه گذاران نهادی و موسسات سرمایه گذاری:

یکی از مهم ترین موارد این است که شرکت های بزرگ سرمایه گذاری به اطلاعاتی دسترسی دارند در حالی که سرمایه گذاران کوچک از این مزیت برخوردار نیستند.

سرمایه گذاران از دو گروه تشکیل می شوند سرمایه گذاران فردی یا حقیقی و سرمایه گذاران حقوقی یا مؤسسات سرمایه گذاری شامل بانک ها صندوق های بازنشستگی صندوق های مشترک سرمایه گذاری شرکت های بیمه و غیره

حال ممکن با این سوال مواجه باشیم که سرمایه گذاری به صورت انفرادی بهتره یا سرمایه گذاری در صندوق ها و مؤسسات مالی به طور خلاصه پاسخ به این سوال به این صورت خواهد بود که سرمایه گذاری انفرادی میتونه باعث بشه کل سود یا زیان حاصل از فعالیت به خود فرد برسه و مبلغی بابت حق الزحمه یا کارمزد یا سایر موارد کسر نشود . در مقابل سرمایه، گذاری در صندوق ها و مؤسسات مالی میتونه کمک بکنه که افرادی که توانایی تحلیل و تجربه کافی برای فعالیت در بازارهای حرفه ای سرمایه گذاری را ندارند نیز امکان کسب سودهای حرفه ای برای آنان فراهم می گردد.

ولی به طور جدی باید به این نکته توجه داشت که زمانی معامله به صورت انفرادی توصیه می شود که فرد از آگاهی و تجربه بالایی نسبت به بازار برخوردار باشد در غیر این صورت و اگر فرد آگاهی از بازار و ریسک های آن نداشته باشد اکیداً توصیه می شود تا آسمان کسب آگاهی و تجربه از سرمایه گذاری در صندوق ها و مؤسسات مالی سود کسب کند.

4-بحث کارایی بازار:

یکی از مفاهیم مهم مربوط به فرآیند تصمیم گیری سرمایه گذاری مفهوم کارایی بازار است که بازار اوراق بهادار و به ویژه بازار سهام را تحت تاثیر جدی قرار می دهد. در یک بازار کارا، قیمت اوراق بهادار، جدا از ارزش اقتصادی که سرمایه گذاران برای این اوراق محاسبه می کنند نیست.

ارزش اقتصادی اوراق بهادار از طریق انتظارات سرمایه گذاران را نسبت به بازده و ریسک و عدم اطمینان تعیین می شود. اگر قیمت بازار اوراق بهادار از ارزش اقتصادی . وردی انحراف داشته باشد در این صورت سرمایه گذاران سعی می کنند این دو ارزش را با هم سازگار کنند بنابراین وقتی که اطلاعات جدیدی وارد یک بازار کارا می شود باعث میشود در ارزش اقتصادی برآورد شده اوراق بهادار اصلاحاتی به وجود بیاید و قیمت آن مطابق با اطلاعات ارائه شده تعیین شود. به عبارت دیگر، قیمت اوراق بهادار به صورت کارا تعیین می شود. واضح است که کارا بودن بازار سهام مفاهیم مهمی برای سرمایه گذاران دارد . درواقع فرضیه کارایی بازار بر نحوه نگرش فرد بر فرایند سرمایه گذاری و نحوه تصمیمات سرمایه گذاران تاثیر می گذارد البته اگر کسی کاملاً به این فرضیه معتقد باشد ممکن است منفعلانه عمل کند برای اینکه احتمال دارد این شخص نتواند اوراق بهادار با ارزشی را با قیمت پایین پیدا کند و از قیمتی آن منتفع شود در صورتی که فرضیه بازار کارا صحت داشته باشد این سرمایه گذار سعی می کند هزینه های انتقال مالکیت و زمان و منابعی را که صرف تجزیه و تحلیل اوراق بهادار می کند را کاهش دهد . اما سرمایه گذارانی که به مفهوم فرضیه کارایی بازار اعتقاد ندارند به دنبال اوراق بهادار با ارزش و قیمت پایین بوده و معتقدند که آنها می توانند این چنین اوراق بهادار را شناسایی کنند و از قیمتی آن منتفع شوند. سرمایه گذاران هزینه های تحقیقاتی از نظر مالی و زمانی و هزینه های انتقالی زیادی را صرف می کنند و در عین حال معتقدند که حاشیه سودی که به دست می آورند بیشتر از حاشیه هزینه های است که صرف می کنند.

بنابراین تمامی سرمایه گذارانی که در حیطه سرمایه گذاری مطالعه و تحقیق می کنند باید نسبت به مفاهیم فرضیه کارایی بازار آگاهی داشته باشند. نکته ای که در این مرحله باید به آن توجه کرد این است که سرمایه گذاران تا آن جایی که می توانند باید نسبت به محیط واقعی سرمایه گذاری امروزی آگاهی کسب نمایند تا بتوانند تصمیمات بهتری اتخاذ نمایند. تنها با فهم فرایند سرمایه گذاری و مسائل مربوط به بازارهای کارا است که می توان نسبت به کار بودن بازار اظهار نظر کرد.

انواع بازار مالی

بازار مالی، بازاری است که افراد و مؤسسات می‌توانند اوراق بهادار، کالا و سایر دارایی‌های قابل معامله را با قیمتی که توسط اصول اقتصادی عرضه و تقاضا تعیین شده‌اند، با هم مبادله کنند.

کار بازارها قرار دادن دو طرف، یعنی خریداران و فروشندگان در یک مکان است تا آن‌ها بتوانند به‌سادگی یکدیگر را پیدا کنند؛ بنابراین معامله بین آن‌ها را تسهیل می‌کنند. انواع مختلفی از بازارهای مالی وجود دارند و ویژگی‌های آن‌ها به دارایی‌های مالی که مبادله می‌شوند و نیازهای شرکت‌کنندگان مختلف بازار بستگی دارد. انواع بازار مالی براساس ماهیت مبادلات و همچنین میزان رشدشان قابل تشخیص هستند.

بازار کالا و خدمات:

در این بازار در قبال کالا و خدمات، واحد پولی مورد پذیرش، به‌عنوان تسهیل‌کننده معاملات مورد استفاده قرار می‌گیرد. ارزش هر کالا یا خدمت با مبلغی پول تعریف و عرضه می‌شود و معمولاً معاملات درون این بازار، تحت مکانیسم‌های شناخته شده‌ای صورت می‌گیرد. در این بازار کالاها و خدمات به گونه و نوع‌های مختلفی تقسیم‌بندی می‌شوند و هر کدام از آن‌ها تحت حاکمیت قوانین و عرف خاص پذیرفته شده خود، مورد معامله قرار می‌گیرند. در این نوع بازار واحد پولی، به‌عنوان واسطه معاملات می‌تواند در بخش‌های مختلف بازار به‌راحتی جابه‌جا شود و هیچ‌گونه محدودیتی برای آن وجود ندارد. در واقع ما می‌توانیم نقدینگی خود را به‌راحتی در بخش‌های مختلف بازار و تحت قوانین آن به گردش دریاوریم. بازار کالا و خدمات، به دلیل قدمت و به‌خاطر تأمین‌کنندگی نیازهای کلی انسان‌ها، از وسعت بسیار زیادی برخوردار است. در این بازار آنچه ارزش کالا و خدمات را تعیین می‌کند، عرضه و تقاضاست. تقاضا متناسب با نیاز انسان‌ها تغییر می‌کند. (کنترل قیمت ماسک در ایران و امریکا) در قبال افزایش تقاضا و ثبات عرضه، افزایش قیمت‌ها حادث می‌شود که امروزه ما آن را به نام تورم می‌شناسیم، از تورم به‌عنوان بیماری اقتصاد نام‌برده می‌شود و اکثریت یا بهتر است بگوییم کلیه حکومت‌ها تلاش می‌کنند تا تورم را به حداقل ممکن برسانند. تورم باعث ایجاد شغل‌های کاذب می‌شود. به همین دلیل دولت‌ها و شبکه اقتصادی کشورها سعی می‌کنند با ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا، تورم را کنترل کنند.

بازار پول و ارز:

بازاری برای دادوستد پول و دیگر دارایی‌های مالی جانشین نزدیک پول است که سر رسید کمتر از یکسال دارند. به عبارت صحیح‌تر می‌توان از بازار پول به‌عنوان بازار ابزارهای مالی کوتاه‌مدت با ویژگی اندک بودن ریسک عدم پرداخت، نقدشوندگی بالا و نوسان کم نام برد. تمرکز فعالیت این بازار در استفاده از ابزارهایی است که به اشخاص و بنگاه‌های تجاری این امکان را دهد تا به‌سرعت نقدینگی خود را به میزان مطلوب درآورند. بانک‌ها، مؤسسات مالی و اعتباری و سایر مکان‌هایی که دادوستد ابزارهای مالی بازار پول در آن انجام می‌شود، تشکیل‌دهنده بازار پول هستند. مشارکت‌کنندگان در بازار پول، افراد یا واحدهای دارای مازاد نقدینگی هستند که به‌عنوان پس‌انداز کننده، منابع خود را از طریق مستقیم یا غیرمستقیم با سررسیدهای کوتاه‌مدت در اختیار واحدهای نیازمند منابع مالی قرار می‌دهند.

بازار سرمایه:

بازار سرمایه به بازارهای مالی جهت خرید و فروش ابزارهای مالی، با سررسید بیشتر از یکسال و دارایی‌های بدون سررسید، اطلاق می‌شود. بازار سرمایه پلی است که پس‌انداز واحدهای اقتصادی دارای مازاد مانند شرکت‌ها یا دولت‌ها را به واحدهای سرمایه‌گذاری که بدان نیازمندند، انتقال می‌دهد؛ بنابراین بازار سرمایه، واحدهای پس‌انداز و سرمایه‌گذاران را با یکدیگر ارتباط می‌دهد. این بازار نقش مهمی در تجمیع سرمایه‌های اندک و پراکنده و تأمین مالی شرکت‌ها، واحدهای صنعتی و تولیدی در قالبی منسجم، قانونمند، پیوسته و شفاف دارد. نهادهای فعال در این بازار عبارت‌اند از بورس اوراق بهادار، بورس کالا، بانک‌های سرمایه‌گذاری، کارگزاران، معامله‌گران، بازارگردانان، مشاوران سرمایه‌گذاری، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و... سهام عادی، سهام ممتاز، اوراق مشارکت، قراردادهای اختیار معامله و... از جمله ابزارهای تأمین مالی در این بازار به حساب می‌آید. بازار سرمایه نسبت به بازار پول بسیار گسترده‌تر و از تنوع ابزاری بیشتری برخوردار است. کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته بیشتر شراکت محور (بورس محور) هستند و کشورهای توسعه نیافته بیشتر بانک محور (وام محور) هستند.

در معمول ترین تقسیم بندی، بازار سرمایه به دو بازار اولیه و ثانویه تقسیم می‌شود:

بازار اولیه:

بازاری است که در هنگام انتشار اوراق قرضه یا سهام شرکت‌ها به وجود می‌آید. بانک‌های سرمایه‌گذار خالق و به وجود آورنده بازارهای اولیه محسوب می‌شوند و اوراق بهادار را پیش از انتشار قیمت‌گذاری می‌کنند و سپس می‌فروشند.

بازار ثانویه:

بازار ثانویه محل داد و ستد اوراق منتشر شده در بازار اولیه است. حجم معاملات در این بازار، نسبت به بازارهای اولیه بسیار بیشتر است. در این بازار تغییرات قیمت‌ها شکل می‌گیرد و اوراق بهادار، بارها و بارها در آن داد و ستد می‌شود.

بورس اوراق بهادار تهران به عنوان بازار ثانویه عمل می‌کند و سهام و اوراق مشارکت در این بازار خرید و فروش می‌شود. در این بازار عرضه اولیه شرکت‌ها هم صورت می‌گیرد، بنابراین مکانیسم یک بازار اولیه را نیز دارد.

تاریخچه بورس

حدود ۵۰۰ سال پیش در یکی از شهرهای بلژیک در مقابل منزل فردی به نام (واندر بورس) صرافان گرد هم آمده اوراق بهادار داد و ستد میکردند. از آن پس هر مکانی که در آن، اوراق بهادار مورد معامله قرار می‌گرفت بورس نامیدند.

اولین بورس دنیا در شهر آنورس بلژیک ایجاد شد.

در حال حاضر در اغلب کشورهای دنیا تشکیلات بورس وجود دارد و فدراسیون بورسهای جهان به عنوان یک سازمان هماهنگ کننده بین المللی نسبت به همکاری و تشریک مساعی بین بورسها، حفاظت از منابع و حقوق صاحبان سهام و توسعه بازار سرمایه فعالیت می‌نمایند.

برخی از بورسهای مهم دنیا عبارتند از بورس نیویورک، بورس لندن، بورس استکهلم، بورس مونترال و بورس توکیو.

بورس اوراق بهادار تهران:

سابقه ایجاد بورس در ایران

فکر اصلی ایجاد بورس در ایران به سال ۱۳۱۵ برمیگردد.

در این سال یک کارشناس هلندی و یک کارشناس بلژیکی به منظور بررسی و اقدام در مورد تهیه و تنظیم مقررات ناظر بر فعالیت بورس اوراق بهادار به ایران آمدند، اما مطالعات آنها با آغاز جنگ جهانی دوم متوقف گردید .

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ، مجدداً در سال ۱۳۳۳ مأموریت تشکیل بورس اوراق بهادار به اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ، بانک مرکزی و وزارت بازرگانی وقت محول گردید . این گروه پس از ۱۲ سال تحقیق و بررسی در سال ۱۳۴۵ قانون و مقررات تشکیل بورس اوراق بهادار تهران را تهیه، و لایحه مربوط را به مجلس شورای ملی ارسال داشتند . این لایحه در اردیبهشت ۱۳۴۵ تصویب شد و بورس تهران عملاً در سال ۱۳۴۶ با ورود سهام بانک صنعت و معدن و شرکت نفت پارس فعالیت خود را آغاز نمود .

اهمیت و نقش بورس و اوراق بهادار در اقتصاد

پیدایش بورس ریشه در نیاز به مراکزی برای ارتباط بین دارندگان سرمایه و متقاضیان استفاده از آن دارد.

دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی نیازمند سرمایه گذاری است و این مهم نیز مستلزم تجهیز منابع مالی بلندمدت از طریق بازارسرمایه است. وجود بورس اوراق بهادار، قدرتمند و توسعه یافته ، علاوه بر افزایش کمی حجم سرمایه گذاری و ارتقای کیفیت آنها، موجبات افزایش رشد و توسعه پایدار و درونزای اقتصادی را نیز فراهم میآورد.

بورس اوراق بهادار از جمله مهم ترین تشکلهای خود انتظام فعال در بازار ثانویه اوراق بهادار به شمار می آید. مهم ترین ویژگی خود انتظام، برخورداری این نهادها از استانداردهای حرفه ای و اخلاقی است. این ویژگی باعث می شود، برخی از وظایف نظارتی مقام ناظر بر بازار سرمایه به این نهادها تفویض شود. به بیان دیگر، تشکلهای خود انتظام مجازند برای حسن انجام وظایف و تنظیم فعالیت های حرفه ای خود، ضوابط و استانداردهای حرفه ای و انضباطی لازم را وضع و اجرا نمایند.

بورس اوراق بهادار یک نهاد محوری در بازار سرمایه است که منابع مالی را به سمت فعالیت های اقتصادی هدایت می کند. این امر پس اندازه را جذب می کند و نقدینگی را برای سرمایه گذاری فراهم می کند و به کاهش خطرات سرمایه گذاری، ارائه شفافیت برای سرمایه گذاری و تشویق کارآفرینی کمک می کند. توسعه اقتصادی مستلزم تعهد به سرمایه گذاری درازمدت است . بورس اوراق بهادار سرمایه های طولانی مدت برای بخش های اصلی اقتصاد از جمله کسب و کار و دولت را فراهم می کند. شاخص های بورس اوراق بهادار اغلب به عنوان شاخص سلامت اقتصادی استفاده می شود. به عبارت بهتر وظیفه اصلی بورس اوراق بهادار، هدایت سرمایه و نقدینگی جامعه به سمت فعالیت های تولیدی و مفید جامعه و فراهم آوردن بازاری شفاف و منصفانه برای داد و ستد اوراق بهادار پذیرفته شده و همچنین سیستمی مناسب برای نظارت بر جریان داد و ستد ، عملیات بازار و فعالیت اعضای آن است.

مزایای بورس:

الف- مزایای بورس اوراق بهادار از نگاه اقتصاد کلان:

۱- **تسهیل فرآیند تامین مالی شرکت ها:** انتشار سهام و فروش اوراق بهادار یکی از مطمئن ترین راه های جمع آوری وجوه لازم برای سرمایه گذاری است. واحدهای تولیدی و تجاری به جای دریافت تسهیلات از نظام بانکی می توانند تحت شرایطی از طریق انتشار سهام یا فروش اوراق بهادار در بورس، نیازهای مالی خود را تامین کنند. در گذشته ایجاد واحدهای کوچک با تامین سرمایه از سوی یک شخص یا یک خانواده میسر بود. در حالی که امروزه دیگر تاسیس واحدهای بزرگ تولیدی و تجاری چنان سرمایه انبوهی رانیا دارد که از توان مالی یک فرد یا خانواده خارج است. بورس مکانی است که این واحدها با انتشار سهام قادر هستند سرمایه های پراکنده را جمع آوری کرده و در پروژه های بزرگ سرمایه گذاری نمایند.

۲- **کمک به گسترش مالکیت عمومی و توزیع عادلانه درآمد:** تقسیم مالکیت های بزرگ از طریق فروش سهام آن ها در بورس اوراق بهادار از دید کلان اقتصاد به هدف های توزیع عادلانه درآمد و نیز احساس مشارکت در عموم افراد جامعه در فعالیت های تولیدی و تجاری کمک زیادی می کند. حتی چنانچه امکان تامین منابع سرمایه گذاری بزرگ با تسهیلات بانکی میسر شود، انتشار و فروش سهام به عموم به منظور تامین منابع مالی ارجحیت دارد. بسیاری از جامعه شناسان توزیع مالکیت را بین عموم طبقات به لحاظ اجتماعی مفید می دانند چرا که از دو قطبی شدن جامعه (فقیر و غنی) جلوگیری می کند و نا آرامی های اجتماعی را کاهش می دهد.

۳- **تخصیص مطلوب منابع:** یک بازار رقابت کامل در بورس اوراق بهادار، تخصیص مطلوب منابع را میسر می سازد. بورس اوراق بهادار با تعیین بهای رقابتی سهام به عنوان ابزار انتظامی اقتصاد، مدیران غیرکارآمد و ضعیف را تنبیه و مدیران مبتکر و قدرتمند را تشویق می کند. در چنین شرایطی یک شرکت زیان ده نمی تواند از طریق بورس به تامین نیازهای مالی خود اقدام نماید.

۴- **شفافیت جهت درآمد مالیاتی و نظارت اقتصادی:** فعالیت بورس و اوراق بهادار می تواند سبب شفافیت اقتصادی و حذف واسطه ها گردد و با توجه به تمایل مدیران بنگاه های اقتصادی به جهت شفاف سازی عملکرد به منظور اقبال سرمایه گذاران به سرمایه گذاری در شرکت نمایند و این می تواند به اقتصاد کلان جامعه جهت وصول درآمدهای مالیاتی کمک شایانی نماید از طرفی به دلیل شفافیت فعالیت های اقتصادی عرصه برای دلالت اقتصادی تنگ تر شده و شناسایی آنها برای نظام نظارتی اقتصادی و محدود نمودن فعالیت آنها و کسب مالیات از درآمد آنها امکان پذیر می شود. از طرف دیگر به عنوان مثال بورس کالا با عملکرد صحیح و شفافیت در نمایش عرضه کالا و خدمات می تواند از نوسان های غیر عادی قیمت ها اعمال کنترل نماید و مانند مورد بالا به دولت کمک کند در درجه اول با نظارت به نحوه عرضه کالاهای اساسی و مورد نیاز جامعه به ثبات قیمت و جلوگیری از بحران کمبود کالا اقدام نماید و در درجه دوم از محل خرید و فروش آنها مالیات اخذ نماید.

ب- مزایای ورود به بورس برای شرکتها:

۱- **معافیت های مالیاتی:** معادل ۱۰ درصد از مالیات بر درآمد حاصل از فروش کالاهایی که در بورسهای

کالای پذیرفته شده و به فروش میرسد و ۱۰ درصد از مالیات بر درآمد شرکتهایی که سهام آنها برای معامله در بورسهای داخلی و خارجی پذیرفته میشود و ۵ درصد از مالیات بر درآمد شرکتهایی که سهام آنها برای معامله در بازار خارج از بورس داخلی و خارجی پذیرفته میشود، از سال پذیرش تا زمانی که از فهرست شرکتهای پذیرفته شده در این بورسها یا بازارها حذف نشدند، با تأیید سازمان بورس و اوراق بهادار بخشوده میشود. در صورتی که این شرکتها در پایان دوره مالی به تأیید سازمان بورس و اوراق بهادار حداقل ۲۰ درصد سهام شناور آزاد داشته باشند، معادل دو برابر معافیتهای فوق از بخشودگی مالیاتی برخوردار میشوند. تمام درآمدهای صندوق سرمایه گذاری، تمام درآمدهای حاصل از سرمایه گذاری در اوراق بهادار و درآمدهای حاصل از نقل انتقال آنها از پرداخت مالیات بر درآمد و مالیات بر ارزش افزوده معاف میباشند. در صورتی که هر شخص حقیقی یا حقوقی مقیم ایران که سهامدار شرکت پذیرفته شده در بورس یا بازار خارج از بورس است، سهام یا حق تقدم خود در بورسها یا بازارهای خارجی را بفروشد، هیچ گونه مالیاتی در ایران پرداخت نخواهد کرد.

۲- **تسهیل در افزایش سرمایه:** در بورس به جهت تمرکز سرمایه که با هدف مشارکت در حقوق شرکتهای

مورد پذیرش صورت گرفته و یک بازار هدفمند را تشکیل داده است، امکان افزایش سرمایه در این بازار بسیار سادهتر از حالتی است که شرکتها در خارج از بورس به این امر اقدام میورزند، چرا که مجبور خواهند بود تا برای افزایش سرمایه اقدام به جذب شرکای جدید نمایند. این امر با چانه زنی و افزایش هزینه ها همراه خواهد بود.

۳- **تامین مالی از طریق اوراق بدهی (اوراق مشارکت و دیگر اوراق بهادار با درآمد**

ثابت): بر اساس قانون تجارت به شرکتهای سهامی عام اجازه داده شده است تا نسبت به انتشار اوراق

مشارکت اقدام نمایند، از این رو، حضور در یک بازار متمرکز این امر را به نحو چشمگیری تسهیل خواهد نمود. در بورس اوراق بهادار تهران شرکتها میتوانند با استفاده از اوراق مشارکت و اوراق بهادار با درآمد ثابت تأمین مالی کنند. اخیراً شرکتها میتوانند از طریق انواع اوراق بهادار با درآمد ثابت، نظیر صکوک اجاره و صکوک مرابحه اقدام به تأمین مالی نمایند.

۴- **افزایش نقد شوندگی سهام:** سهام شرکتهایی که در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده بود،

امکان معامله در محیطی شفاف و رقابتی را دارند و شرکتهایی که نمیتوانستند شرایط پذیرش در بورس را احراز کنند از دسترسی به چنین امکانی محروم بودند. این مزیت می تواند علاوه بر معرفی شرکت و محصولات آن باعث اقبال سرمایه گذاران به شرکت شده و بالطبع با افزایش قیمت بازار سهام شرکت باعث ارزندگی و رونق شرکت شود.

ج- مزایای سرمایه گذاران در بورس

- ۱- **عدم نیاز به سرمایه کلان:** سرمایه گذاران میتوانند با توجه به سرمایه خود در بازار بورس فعالیت کنند و محدودیتی در میزان سرمایه گذاری در این بازار وجود ندارد. به عنوان مثال در بازار سرمایه شما به راحتی میتوانید با مبلغ پنج میلیون ریال بخشی از سهام یک شرکت بزرگ و معتبر را خریداری نمایید. اما اگر بازار بورسی وجود نداشت، به سختی میتوانید در شرایط عادی با این مبلغ حرکت اقتصادی خاصی را انجام دهید.
- ۲- **قدرت نقد شوندگی بالا:** سرمایه گذاران با حضور در بازار سرمایه میتوانند در هر زمان به بازار وارد و یا از آن خارج شوند. توسعه الکترونیکی بازار نیز، سرعت ورود و خروج به بازار را افزایش میدهد. چنین وضعیتی مشابهی را به ندرت میتوان در سایر حوزه های سرمایه گذاری مشاهده کرد.
- ۳- **بازده متناسب با پذیرش ریسک:** بازار سرمایه شرایطی را برای سرمایه گذاران فراهم آورده است تا آنها با توجه به میزان تحمل ریسک خود اقدام به سرمایه گذاری نمایند. در مدیریت سرمایه گذاری یک قاعده کلی وجود دارد که اصطلاحاً رابطه‌ی بده - بستان میان ریسک و بازده میگویند، هر چه سرمایه گذار ریسک بیشتری را تحمل نماید، بازده بالاتری نسبت به سرمایه گذار با تحمل ریسک پایینتر کسب خواهد کرد. از این رو، هر سرمایه گذار میتواند با توجه به میزان تحمل ریسک خود، بازده مورد نظر خود را طلب کند.
- ۴- **گسترش بورس:** در چند سال اخیر بورس ایران رشد فزایندهای داشته است و با توجه به ارائه ابزارهای مالی جدید در چند سال اخیر، انتظار افزایش رشد این بازار تا رسیدن به ظرفیت نهایی کماکان وجود دارد. علی رغم عدم تنوع بورس ایران، منابع کسب سود در این بازار متنوع است، به نحوی که یک سهم خریداری شده میتواند برای دارنده آن، به روشهای گوناگونی همچون افزایش سرمایه، تفات قیمت خرید با قیمت روز و سود نقدی هر سهم، سودآور باشد.
- ۵- **وجود پتانسیل بالقوه:** علیرغم رشد این بازار در چند سال اخیر همچنان ظرفیت های رشد بالقوهای وجود دارد و همچنین سیاست های خصوصی سازی دولت به تقویت این بازارها کمک میکند.
- ۶- **امکان فروش هر بخش از سرمایه:** در صورتی که به بخش کوچکی از سرمایه نیاز پیدل کنیم در این بازار امکان فروش بخشی از سرمایه که نیاز ما را برطرف کند وجود دارد در صورتی که در سایر بازارهای مشابه این امکان وجود ندارد.
- ۷- **شفافیت و امنیت بالای بورس:** وجود نهاد ناظر و بی طرف در بورس و از طرفی الزام شرکت های پذیرفته شده در بورس به ارائه گزارش فصلی و ماهانه و حسابرسی گزارش های مالی توسط حسابرسان رسمی و حرفه ای و بی طرف باعث اطمینان به اطلاعات منتشر شده و همچنین اعمال نظارت بر نحوه انجام معاملات توسط نهاد ناظر سازمان بورس و اوراق بهادار سبب شده سرمایه گذاری در این بازار با شفافیت و امنیت کم نظیری همراه گردد.
- ۸- **کسب سود از دو منبع:** افزایش قیمت اوراق و سود توزیعی شرکت ها در این بازار به دو روش می توان سود کسب کرد روش اول خرید اوراق بهادار در قیمت های پائین تر و فروش آنها در قیمت بالاتر که به میزان اختلاف قیمت سهامدار سود خواهد نمود البته لازم به اشاره است که این کار نیاز به توان تحلیل و تجربه بالایی در تحلیل شرکت ها و مولفه های اقتصادی و تاثیر مولفه ها در فعالیت شرکت دارد. و روش دوم خرید سهام شرکت هایی که سابقه سود سازی بالا و سابقه توزیع سود دارند برای این نوع از سود لازم است سهم شرکت قبل از برگزاری مجمع

عادی صاحبان سهام خریداری شود و در زمان برگزاری مجمع سهامدار شرکت باشیم و بعد از مشخص شدن سود توزیعی شرکت و پیگیری آگهی های شرکت نسبت به دریافت سود نقدی اقدام نمائیم.



بازار های سازمان بورس و اوراق بهادار تهران:

۱- بورس اوراق بهادار تهران

بازار رسمی و سازمان یافته سرمایه است که در آن خرید و فروش سهام شرکت ها و اوراق بهادار تحت ضوابط، قوانین و مقررات خاصی انجام می شود. تعیین قیمت سهام در بورس، بر اساس عرضه و تقاضا صورت می گیرد. در بورس اوراق بهادار، یک سرمایه گذار می تواند با سرمایه هرچند کوچک خود، در شرکت های پذیرفته شده در بورس سرمایه گذاری نماید. سرمایه گذاران بورس، برای خرید و فروش سهام می بایست این کار را از طریق شرکت های کارگزاری بورس انجام دهند.

سرمایه گذاری در بورس نیازمند دانش و مهارت است.

۲- شرکت فرابورس ایران

یکی از ارکان بازار سرمایه کشور ایران به شمار می رود که تحت نظارت سازمان بورس و اوراق بهادار به فعالیت مشغول است. فرابورس ایران به منظور توسعه بازارها و ابزارهای مالی و پوشش خلاءهای ناشی از نداشتن دسترسی بخش عمده ای از صاحبان صنایع به بازار سرمایه تشکیل شده است. به بیان دیگر، محرومیت طیف وسیعی از بنگاه های اقتصادی از تأمین مالی در بازار سرمایه و وابستگی شرکت های دولتی یا خصوصی به تأمین مالی از طریق سهامداران عمده یا اخذ تسهیلات از شبکه بانکی منشأ ایجاد این بازار اوراق بهادار جدید به حساب می آید.

با توجه به نیازمندی‌های کنونی بازار سرمایه، اهداف و استراتژی فعالیت فرابورس ایران به گونه‌ای طراحی شده تا بخش عمده‌ای از متقاضیان منابع مالی امکان بهره‌مندی از مزایای آن را داشته باشند و مهمترین ویژگی آن، سهولت رویه‌ها در مراحل پذیرش و انجام معاملات اوراق بهادار است.

فرابورس ایران با هدف ایجاد بازاری کارآمد، منصفانه و شفاف، تمهیدات و بستر سازی لازم را در زمینه انتشار سریع و عادلانه اطلاعات با همکاری سازمان بورس و اوراق بهادار انجام داده تا صاحبان سرمایه با آگاهی و شناخت بیشتر در خصوص انواع اوراق بهادار، درجات ریسک و سایر شاخصه‌های مهم، به سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار پذیرفته شده در این بازار اقدام کنند.

تلاش در راستای رشد و اعتلای بازار سرمایه، تنوع بخشی به محصولات بازار سرمایه، اعطای فرصت جدید به صاحبان صنایع نوپا و نیازمند به منابع مالی، افزایش مشارکت‌های مردمی و افزایش سهم دارایی‌های مالی در سبد سرمایه‌گذاری‌ها، رسالت فرابورس ایران محسوب می‌شود.

۳- بورس کالای ایران

به داد و ستد نقد، نسبه و سلف انواع محصولات صنعتی و کشاورزی در ایران می‌پردازد و راه‌اندازی معاملات ابزارهای مشتقه و به ویژه قراردادهای آتی را در برنامه‌های پیش روی خود دارد.

۴- بورس انرژی ایران

یکی از بازارهای بورس ایران است که به منظور انجام معاملات حامل‌های انرژی با مجوز شورای عالی بورس و اوراق بهادار به عنوان چهارمین بورس رسمی کشور و تحت نظارت سازمان بورس و اوراق بهادار در سال ۱۳۹۱ تأسیس شد.

شرایط پذیرش شرکت‌ها در بورس

- ۱. شرکت باید در ایران ثبت شده و دارای تابعیت ایرانی باشد.
- ۲. شرکت باید سهام عام باشد.
- ۳. شرکت باید دارای سهام عادی با نام دارای حق رأی باشد و ۱۰۰ درصد بهای اسمی آن پرداخت شده باشد و هیچ‌گونه امتیاز خاصی برای سهام‌داران شرکت وجود نداشته باشد.
- ۴. حداقل دو سال از تاریخ بهره‌برداری شرکت گذشته باشد.
- ۵. حداقل سرمایه شرکت ده میلیارد ریال باشد.
- ۶. در زمان پذیرش نباید بیشتر از ۸۰ درصد از سهام شرکت در اختیار کمتر از ۱۰ سهام‌دار باشد.
- ۷. مجموع سهام متعلق به دولت، وزارتخانه‌ها، مؤسسه‌ها و شرکت‌های دولتی موضوع ماده ۴ قانون محاسبات عمومی کشور، نباید از ۴۹ درصد سهام شرکت بیشتر باشد.
- ۸. شرکت باید در دو دوره متوالی سودآور بوده و امکان سودآوری آن در آینده وجود داشته باشد و زیان انباشته نداشته باشد.
- ۹. نسبت حقوق صاحبان سهام شرکت به کل دارایی‌ها، از حد مناسب برخوردار بوده و از ۳۰ درصد کمتر نباشد.

- ۱۰. اساس نامه شرکت باید طوری تنظیم شده باشد که به تشخیص هیأت پذیرش، حقوق سهامداران جزء در آن محفوظ باشد
- ۱۱. شرکت باید دارای نظام حسابداری مطلوب باشد و به تشخیص هیأت پذیرش، در مورد شرکت های تولیدی، روش حسابداری قیمت تمام شده (حسابداری صنعتی) استقرار داشته باشد. به علاوه دفاتر و حسابهای شرکت باید بر اساس استانداردهای حسابداری مصوب در کشور، نگهداری شود.
- ۱۲. شرکت متقاضی پذیرش باید گزارش های حسابرسی دو دوره مالی متوالی پیش از زمان پذیرش را ارائه نماید. این گونه گزارش ها بایستی توسط مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران که واجد ویژگی های خاص مصوب شورای بورس نیز باشند، تهیه شده باشد.

انواع روش تحلیل در بازار بورس و اوراق بهادار

برای فعالیت حرفه ای در بازار بورس و اوراق بهادار نیاز داریم تا حداقل یکی از روش های تحلیل ابزارهای این بازار را فرا بگیریم. یک تحلیلگر حرفه ای، یا خود اقدام به تحلیل می کند و یا اینکه از تحلیل تحلیلگران با تجربه استفاده می کنند. بنابراین در اولین قدم بایستی تعیین نماید که از کدام روش تحلیل اوراق بهادار می خواهد استفاده نمایند. به طور کلی دو روش تحلیل اوراق بهادار وجود دارد

تحلیل بنیادی:

در این روش تحلیل گر میبایست اقتصاد و صنعت و شرکت ها را بررسی کند. بنابراین سه گام در این نوع تحلیل طی می شود. بنابراین تحلیل گر نیازمند این است که دانش هایی در رابطه با اقتصاد و صنعت و حسابداری کسب نماید.

روش کار در تحلیل بنیادی به این صورت است:

گام اول تحلیلگر ابتدا کلیت اقتصاد، پتانسیل موجود در آن، نقدینگی، تورم، بودجه سال دولت و سایر مولفه های تاثیرگذار در اقتصاد و صنعت را بررسی می کند و پس از مشخص شدن صنعت هایی که در گام اول پتانسیل صعود آنها مشخص شده است وارد گام دوم شده

گام دوم با توجه به اینکه صنایعی که پتانسیل صعود خوبی دارند شناسایی شده اند تحلیلگر داخل آن صنایع به دنبال شرکت هایی می گردد که آن شرکت ها به نسبت سایر شرکت های موجود در آن صنعت از پتانسیل رشد بالایی برخوردارند و اقدام به بررسی دقیق صنعت مورد نظر نموده به منظور یافتن شرکت های برجسته با توان رشد و سودسازی بیشتر از سایر شرکت های همکار در آن صنایع می نماید. پس از پایان گام دوم برای تحلیل گر شرکت هایی که پتانسیل رشد دارند مشخص می شود و در این هنگام ممکن است شرکت های متعددی برای تحلیل گر امکان رشد آنها مسجل شده باشد.

بنابراین در گام سوم تحلیلگر اقدام به بررسی جزئی شرکت می نمایند: از قبیل توان فروش محصولات، کیفیت محصول تولید شده شرکت، میزان فروش و درآمد، صورت های مالی، حاشیه سود، رشد سودآوری، تداوم سودآوری و سایر مولفه هایی که در روند ایجاد درآمد شرکت در آینده تاثیرگذار است. که انجام گام سوم نیازمند اطلاعاتی درباره آن صنعت و همچنین اطلاعات حسابداری برای انجام این مرحله می باشد.

پس از پایان گام سوم ارزش ذاتی شرکت برای تحلیلگر مشخص می‌شود. بنابراین تحلیلگر در این مرحله اقدام به تصمیم‌گیری می‌نماید و سه انتخاب در مقابل تصمیم‌گیرنده قرار می‌گیرد:

انتخاب اول در صورتی قیمت بازار سهام شرکت کمتر از قیمت ارزش ذاتی سهم شرکت باشد که در گام سوم به دست آمده است: این شرکت مناسب خرید می‌باشد

حالت دوم اگر قیمت بازار با قیمت ارزش ذاتی شرکت برابر باشد جذابیتی برای خرید وجود ندارد مگر این که امکان رشد و توسعه قابل توجهی در آینده برای این شرکت شویم.

حالت سوم زمانی رخ می‌دهد که ارزش بازار شرکت بیش از ارزش ذاتی شرکت باشد در این صورت این شرکت در آستانه سقوط قیمتی بوده و می‌گوییم قیمت سهام شرکت دارای حباب است

تحلیل تکنیکال

تحلیل تکنیکال به معنی بررسی گذشته نمودار سهام و کمک از آن برای پیش‌بینی آینده آن و سرانجام اتخاذ بهترین تصمیم برای لحظه حاضر است. این تصمیم می‌تواند یکی از موارد خرید و فروش، نگهداری و یا خروج از بازار باشد به بیان دیگر در تحلیل تکنیکال تحلیلگر اقدام به رفتار گذشته حرکات قیمت سهام نمود و تلاش می‌کند رفتار گذشته را با طراحی سناریو برای آینده شبیه‌سازی کند تا بتواند با تصور اینکه در آینده قیمت حرکاتی شبیه به گذشته می‌کند، از ابتدای آن حرکات برای معامله استفاده نماید. به عنوان مثال در گذشته سهم مشاهده شده، قیمت سهم پس از اصلاح و وقتی به قیمت ۱۰۰۰ ریال نزدیک می‌شود اصلاح به پایان رسیده و سهم رشد میکند. بنابراین تحلیل‌گر تکنیکال با مشاهده این عملکرد گذشته سهم و توجه به اینکه در حال حاضر سهم در حال اصلاح بوده و در نزدیکی قیمت ۱۰۰۰ ریال قرار دارد، بنابراین احتمال عکس‌العمل به این محدوده مشابه رفتار گذشته وجود دارد. و در صورت واکنش قیمت و شروع صعود، تحلیل‌گر سیگنال ورود برای این سهم را صادر میکند.

اصول اساسی تحلیل تکنیکال:

تحلیل تکنیکال سه اصل اولیه و اساسی دارد:

۱- همه چیز در قیمت نهفته است : یعنی کلیه اطلاعات مورد نیاز درون نمودار قیمت- زمان وجود دارد و یک تحلیلگر می‌تواند صرفاً با در اختیار داشتن اطلاعات مربوط به قیمت، کلیه تحلیل‌های لازم را انجام دهد و نیاز به دسترسی به اطلاعات پنهانی و آگاهی از سایر روش‌های تحلیلی مانند تحلیل فاندامنتال نخواهد داشت همان اصل کفایت اطلاعات.

2- تاریخ تکرار میشود : می‌توان گفت آینده شبیه به گذشته است یعنی رخدادی که قبلاً بارها و بارها به شیوه یکسان اتفاق افتاده است، احتمالاً از این به بعد نیز به همان ترتیب رخ خواهد داد. بنابراین تحلیل تکنیکال به بررسی و طبقه‌بندی آنچه قبلاً در تاریخچه این نمودارها به وقوع پیوسته است می‌پردازد و اگر بتواند هر نوع منظم‌الگوی تکرار شونده را به یابد انتظار دارد مشابه چنین نظم‌ی در آینده نیز به همان ترتیب در نمودارها مشاهده گردد.

3- قیمت تمایل به حفظ روند جاری دارد : به عنوان مثال هنگامی که یک روند صعودی در بازار حاکم باشد ، معامله‌گران ناخودآگاه راغب هستند روند صعودی فعلی را کماکان ادامه دهند و بنابراین در چنین مواقعی مشاهده می کنید که بازار به اخبار مثبت بسیار بیشتر و اغراق آمیز تر از اخبار منفی واکنش نشان می دهد، و بالعکس. در واقع ایجاد تغییر در یک روند به نیروی بسیار بزرگ نیاز دارد تا بتواند چرخشی اساسی در روند غالب بازار به وجود آورد بنابراین نگاه بدین گونه است تا زمانی که قدرت کافی برای تغییر روند آشکار نگردد تصور می کنیم که روند فعلی ادامه دارد.

• مزایای تحلیل بنیادی:

- ۱- به ارزش ذاتی سهم پی می بریم
- ۲- باعث اطمینان خاطر سهامدار می شود
- ۳- نگاه به آینده دارد.

• مزایای تحلیل تکنیکال:

- ۱- زمان کمتری برای تحلیل نیاز است
- ۲- امکان استفاده در بازه های زمانی کوتاه وجود دارد
- ۳- نیاز به دانش اولیه ندارد

مولفه های مورد نیاز جهت معامله

- تالار بورس
- جایی است که کارگزاران به خرید و فروش سهام میپردازند و دو تابلوی اصلی (شرکت هایی که با قوانین سازمان بورس وفق داده اند) و تالار فرعی که شرکت ها ابتدا در آن پذیرفته می شوند
- کارگزاران بورس
- شرکت هایی هستند که افراد برای خرید و فروش سهام باید به آنها مراجعه کنند
- خریدار و فروشنده
- افراد حقیقی که به صورت انفرادی اقدام به معامله میکنند و اشخاص حقوقی که شرکت های سرمایه گذاری و صندوق ها .. هستند
- شرکت های پذیرفته شده در بورس

شزکت هائی که با شرایط پذیرش بورس را دارا بودند و با ورود به بورس امکان معامله سهام آنها برای معامله گران فراهم شده است.

ابزارهای مالی قابل معامله

اوراق بهادار

هر نوع ورقه یا مستندی است که متضمن حقوق مالی قابل نقل و انتقال برای مالک آن باشد. به بیان دیگر اوراق بهادار نوعی ابزار مالی با قابلیت نقل و انتقال است. این اوراق از هر نوع آن شامل سهام عادی، سهام ممتاز، حق تقدم، سهام جایزه، اوراق مشارکت، مشتقات، اختیار معامله، قرارداد آتی و صکوک که باشد، نوعی ارزش مالی را برای مالک آن به همراه دارد.

همچنین شرکت یا نهادی که اوراق بهادار صادر می کند، به عنوان صادرکننده (توزیع کننده) شناخته می شود. این اوراق در بازار سرمایه به چهار بخش کلی «اوراق بدهی»، «اوراق حقوق صاحبان سهام»، «ابزارهای مشتقه»، «ابزارهای ترکیبی» تقسیم می شود.

انواع اوراق بهادار در بازار سرمایه ایران

۱. اوراق بدهی (اوراق مشارکت و صکوک)

اوراق بدهی یا اوراق قرضه اسناد یا اوراق مشارکت اوراق بهاداری هستند که به موجب آن شرکت انتشاردهنده متعهد می شود مبلغ مشخصی (بهره سالانه) را در زمان هایی خاص به دارنده آن پرداخت کند و در زمان مشخص (سررسید) اصل مبلغ را بازپرداخت کند. دارنده اوراق مذکور به عنوان بستانکار حق دریافت اصل و سود آن را دارد، ولی هیچ مالکیتی در شرکت ندارد.

انواع اوراق بدهی را می توان تحت عنوان اوراق خزانه دولتی، اوراق صکوک شرکتی، اوراق مشارکت دولتی و شرکتی، اوراق مرابحه، اوراق استصناع، اوراق منفعت، اوراق سلف موازی استاندارد، گواهی سپرده، سهام ممتاز و اوراق بهادار وثیقه ای نام برد.

اینکه چرا به این اوراق، اوراق بدهی گفته می شود، به دلیل ویژگی های مختلف این اوراق است. در درجه اول به این دلیل است که عمدتاً شرکت هایی که مشکل منابع مالی دارند یا نقدینگی کافی برای انجام کارهایشان ندارند، به جای اینکه از بانک وام بگیرند با انتشار این اوراق به نوعی اقدام به جمع آوری نقدینگی سرمایه گذاران کرده که اصطلاحاً در علوم مالی به آن تامین مالی جمعی گفته می شود.

این کار به این دلیل انجام می شود که شرکت برای ادامه فعالیت هایش یا انجام پروژه های جدیدتر نیاز به پول دارد. از جنبه دیگر در علم اقتصادی بدهی هم نوعی دارایی ارزشمند تلقی می شود، چراکه شما از طریق خلق آن و بازپرداخت آن در آینده صاحب دارایی بیشتری می شوید.

متقاضیان اصلی انتشار اوراق بدهی معمولاً دولت ها هستند و اوراق بدهی دولتی یکی از معتبرترین نوع اوراق بدهی در جهان است که در عین حال ریسک اعتباری کشورها را هم نمایان می کند. در واقع هرچه اوراق بدهی دولتی یک کشور ارزشمندتر باشد، به معنای این است که اقتصاد و دولت آن کشور از شرایط بهتری برخوردار است.

اوراق مشارکت: در اصطلاح علم اقتصاد، نوعی از اوراق بهادار است که توسط دولت، شهرداری، شرکت‌های دولتی و خصوصی، برای تأمین اعتبار طرح‌های عمرانی یا زیرساختی در کشور، منتشر می‌گردد. تهیه دستورالعمل اجرایی و مقررات ناظر بر انتشار اوراق مشارکت بر عهده بانک مرکزی است. طبق دستورالعمل بانک مرکزی، اوراق مشارکت اوراق بهاداری هستند که با مجوز بانک مرکزی برای تأمین بخشی از منابع مالی مورد نیاز، طرح‌های سودآور تولیدی و خدماتی (به استثنای امور بازرگانی) در چارچوب عقد مشارکت مدنی، توسط سازمان جاری منتشر می‌شود. در هر ورقه مشارکت، میزان سهم دارنده آن مشخص شده است.

ساخت بزرگراه، سد، تونل، جاده، راه‌آهن، نیروگاه، مجتمع‌های اداری و مسکونی و... نمونه‌هایی از مواردی است که دولت یا شهرداری‌ها، برای تأمین مالی آن‌ها اقدام به انتشار اوراق مشارکت می‌کنند.

اوراق قرضه یا بدهی: اسنادی است که به موجب آن شرکت انتشاردهنده متعهد می‌شود مبالغ مشخصی (بهره سالانه) را در زمان‌هایی خاص به دارنده آن پرداخت کند و در زمان مشخص (سررسید) اصل مبلغ را باز پرداخت کند. دارنده اوراق به عنوان بستانکار حق دریافت اصل و بهره آن را دارد ولی هیچ مالکیتی در شرکت ندارد.

اوراق قرضه از اوراق بهادار است و طبق آن صادرکننده به خریدار بدهکار می‌شود. این سند دارای سررسید است و مبلغ آن در زمان سررسید به وسیله صادرکننده پرداخت می‌شود. این اوراق دارای کوپن بهره هستند و بهره آن‌ها در فواصل زمانی معینی توسط بانک که نمایندگی صدور اوراق را دارد، پرداخت می‌شود. از نظر سررسید، اوراق قرضه به سه دسته کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت تقسیم می‌شوند. سررسید اوراق کوتاه مدت بین یک تا پنج سال، سررسید اوراق میان مدت بین پنج تا ده سال و سررسید اوراق بلند مدت معمولاً بیش از ده سال است.

صکوک: ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)، اوراق بهادار با ارزش مالی یکسان و قابل معامله در بازارهای مالی هستند که بر پایه یکی از قراردادهای مورد تأیید اسلام طراحی شده‌اند و دارندگان اوراق به صورت مشاع مالک یک یا مجموعه‌ای از داراییها و منافع حاصل از آن‌ها می‌باشند.

۲.۱ ابزارهای مالکیت

ابزارهای مالکیت مربوط به حقوق صاحبان سهام است و نمایندگی مالکیت بخشی از یک سازمان خواهد بود متداولترین نوع ابزارهای مالکیت سهام عادی می باشد

سهام (سهام و حق تقدم) در میان اوراق بهادار موجود در بازار، سهام متداولترین ورقه بهادار محسوب می‌شود. سهام، دارای ارزش اسمی بوده و تعداد آن برای هر شرکت، بسته به میزان سرمایه آن شرکت متغیر است. ارزش اسمی هر سهم عادی در بورس اوراق بهادار برابر با ۱۰۰ تومان یا ۱۰۰۰ ریال است. تعداد سهام عادی هر شرکت نیز حاصل تقسیم سرمایه آن بر ارزش اسمی هر سهم است. سهام عادی یک نوع دارایی مالی است که نشان‌دهنده مالکیت صاحب آن در یک شرکت است. گفتنی است سهامداران صاحب سود سهام سالیانه، دارای حق رای در مجامع آن شرکت و برخوردار از منافع افزایش یا کاهش قیمت سهام هستند. برخلاف دارندگان اوراق بدهی که عموماً فقط سود و ارزش اسمی دریافت می‌کنند، دارندگان سهام قادر هستند تا از سود سهام خود منفعت کسب کنند.

سهام عادی: سندی است که نشان می‌دهد یک سرمایه‌گذار، مالک درصد معینی از یک شرکت است، و درصد معینی از سود شرکت، و مزایای دیگری که به سهامداران تعلق می‌گیرد را دریافت خواهد کرد.

دارندگان سهام عادی، مالکان اصلی شرکت بوده، و از حقوق و مزایای زیر برخوردارند:

حق دریافت سود سهام؛

حق رأی دادن در مجامع عمومی عادی، و مجمع فوق‌العاده؛

حق تقدم در خرید سهام جدید؛

حق باقی‌مانده دارایی پس از انحلال شرکت؛

حق اطلاع از فعالیتهای شرکت.

اکثر سهام شرکت‌ها به صورت سهام عادی است و به همین دلیل، معمولاً صاحبان این نوع سهام کنترل و مدیریت شرکت‌ها را در دست دارند.

حق تقدم خرید سهام: زمانی که یک شرکت بورسی تصمیم به افزایش سرمایه می‌گیرد و سرمایه خود را افزایش میدهد به منظور حفظ منافع سهامداران فعلی شرکت قانونی وضع شده که بر اساس قانون تجارت در صورتی که یک شرکت سهام جدیدی برای فروش منتشر کند، سهامداران فعلی در خرید این سهام جدید اولویت دارند. که به این اولویت در خرید سهام نسبت به سهامداران جدید، حق تقدم خرید سهام گفته می‌شود.

۳. اوراق بهادار مشتقه (آتی و اختیار معامله)

ابزارهای مشتقه نوعی ابزار مالی اند که ارزش آنها از ارزش سایر اوراق بهادار مشتق می‌شود. مثال اوراق معامله خود ارزش مشخصی ندارند بلکه ارزش خود را از اوراق بهاداری که به واسطه این اختیار معامله قابل خرید و فروش خواهند بود به دست می‌آورد علت نامگذاری این ابزارها به عنوان مشتق نیز همین امر می‌باشد که ارزش خود را از سایر و اوراق بهادار نرخ سود نرخ ارز شاخص‌های سهام و حتی کالاهای اساسی دارند

قرارداد آتی، قراردادی است که بر اساس آن فروشنده متعهد می‌شود در سررسید معین، مقدار معینی از کالای مشخص را به قیمت مشخص بفروشد و در مقابل، طرف دیگر قرارداد متعهد می‌شود همان کالا با همان مشخصات را در سررسید معین بخرد و برای اینکه هر دو طرف به تعهدات خود عمل کنند باید مبلغی را به عنوان وجه تضمین اولیه نزد اتاق پایاپای بگذارند که متناسب با تغییرات قیمت آتی باید وجه تضمین اولیه را تعدیل کنند.

قرارداد اختیار معامله که برای گروه دارایی‌ها است اختیار معاملات آتی را به دنبال دارد در حقیقت این قرارداد به خریداران این اختیار را می‌دهد که در تاریخی از آینده یا تا تاریخ از آینده تعداد سهام خاص یا دارایی خاصی را به قیمت مشخص بخرد یا بفروشد بدیهی است خریدار این ابزار در صورتی اختیار خود را اعمال می‌کند که با توجه به قیمت بازار انجام معامله به سود وی باشد و به همین علت این ابزار ریسک منفی را از بین میبرد

قراردادهای مشتقه به نوعی از قراردادهای مالی اطلاق می‌شود که ارزش خود را از کالای فیزیکی (دارایی پایه) یا مالی می‌گیرند. دارایی پایه می‌تواند به شکل سهام، کالا، نرخ‌های بهره، صنعت ساخت‌وساز یا هر نوع دارایی دیگر باشد.

اوراق مشتقه در واقع نوعی اوراق بهادار با قیمتی هستند که ارزش آن به یک یا چند دارایی که از آن مشتق می‌شوند، بستگی دارد. خود مشتقه قراردادی است بین دو یا چند طرف بر اساس یک یا چند دارایی. ارزش مشتقه به وسیله نوسانات دارایی مبنا تعیین می‌شود. رایج‌ترین دارایی‌های مبنا عبارت‌اند از سهام، طلا، کالاهای، ارز، شاخص‌های بازار و...

اوراق مشتقه به‌طور کلی یا در بازار بورس یا در بازارهای متشکل خارج از بورس معامله می‌شوند. اوراق مشتقه خارج از بورس بخش بزرگ‌تری از مشتقه‌ها را تشکیل می‌دهند و قانون‌گذاری نشده‌اند، درحالی‌که مشتقه‌های معامله شده در بورس استانداردسازی شده‌اند. اوراق مشتقه معامله شده خارج از بورس معمولاً ریسک بیشتری نسبت به مشتقه‌های استاندارد دارند. به‌طور مشروح امروزه چهار نوع اوراق مشتقه اصلی مورد معامله قرار می‌گیرد که شامل «قراردادهای سلف»، «قراردادهای آتی»، «قراردادهای اختیار معامله» و «قراردادهای معاوضه» می‌شود.

قرارداد آتی سهم: در دانش مالی و اقتصاد، نوعی ابزار مشتقه است، که قابلیت خرید و فروش (مبادله) در بازارهای مالی را دارا می‌باشد. در این قرارداد بر پایه عقد صلح، یک طرف (فروشنده) توافق می‌کند که در سر رسید معین، مقدار مشخصی از کالا را در عوض قیمتی که اکنون تعیین می‌کنند، به طرف دیگر معامله آتی (خریدار) تحویل دهد.

قرارداد اختیار معامله: قراردادی است که به خریدار آن حق خرید یا فروش دارایی پایه یا ابزار مالی با یک قیمت اعمال معین و در یک تاریخ خاص را می‌دهد ولی خریدار در اجرای آن تعهد ندارد. فروشنده نزد کارگزاری برای انجام کامل معامله (خرید یا فروش) اگر خریدار خواهان اعمال باشد تعهد می‌دهد. اختیاری که به دارنده آن اجازه می‌دهد که دارایی را به قیمت مشخص خریداری کند اختیار خرید نامیده می‌شود. اختیاری که به دارنده آن اجازه می‌دهد که دارایی را به قیمت مشخص به فروش برساند اختیار فروش نامیده می‌شود.

۴. ابزارهای ترکیبی

این ابزارها ترکیبی از موارد فوق هستند و به راحتی در یک تروجان می‌گیرند به عنوان مثال اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام ترکیبی از ابزارهای مالکیت و ابزار بدهی هستند همچنین اختیار خرید سهام که به پیوسته برخی اوراق قرضه است ترکیبی از ابزار بدهی و ابزار مشتقه تلقی می‌شود

۵. صندوق های سرمایه گذاری مشترک :

گونه‌ای نهاد مالی است که وجوه دریافتی از سرمایه‌گذاران را در یک مجموعه اوراق بهادار سرمایه‌گذاری می‌کنند و هر سرمایه‌گذار به نسبت سهم خود در مجموعه، از سود یا ضررهای حاصل از این سرمایه‌گذاری سهم می‌برد .

صندوق سرمایه‌گذاری مشترک وجوه را از دست عامه مردم جمع‌آوری می‌کند و پرتفوی اوراق بهادار تشکیل داده و از طریق همین نیروهای متخصص خود به مدیریت اوراق بهادار موجود در سبد سرمایه‌گذاری می‌پردازد. عمده عملکرد

صندوق‌های سرمایه‌گذاری بستگی به عملکرد اوراق بهادار و سایر دارایی‌هایی دارد که صندوق‌ها در آن‌ها سرمایه‌گذاری کرده‌است.

صندوق‌های سرمایه‌گذاری از جمله نهادهای مالی هستند که فعالیت اصلی آن‌ها سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار می‌باشد و مالکان آن به نسبت سرمایه‌گذاری خود در سود و زیان صندوق شریک هستند. مجوز تأسیس و فعالیت صندوق‌های سرمایه‌گذاری توسط سازمان بورس و اوراق بهادار صادر می‌شود و فعالیت آن‌ها تحت نظارت سازمان انجام می‌گیرد.

صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک ابزاری برای سرمایه‌گذاران ریسک‌گریز و بدون تخصص است و این صندوق‌ها معمولاً مدیرانی کارآزموده دارند که تنوع‌بخشی صحیح سبد اوراق بهادار را برای سرمایه‌گذاران خود انجام می‌دهند. با توجه به امکان و اجبار بازخرید سهام توسط صندوق، سهامداران در هر لحظه قادرند سهام خود را به فروش برسانند.

روش‌های کسب درآمد

- **سود سهام:** سود نقدی سهام که آن را با DPS نشان می‌دهند، بیان‌گر مبلغی است که شرکت از محل سود محقق‌شده به سرمایه‌گذاران خود در پایان هر سال مالی پرداخت می‌کند. البته این نکته به معنای آن نیست که همه شرکت‌ها باید در پایان سال مالی سودی را تحت عنوان سود هر سهم بین سهامداران خود تقسیم کنند، زیرا ممکن است شرکتی در یک سال مالی زیان‌ده باشد و یا این‌که تصمیم مجمع عمومی سالیانه بر این باشد که سودی بین سهامداران تقسیم نگردد. چرا که به هر میزان سود نقدی که به سهامدار پرداخت می‌شود، ارزش قیمتی هر سهم به همان میزان کاهش می‌یابد.

این روش مناسب تا معامله گرانی است نگاه میان‌مدت و بلندمدت برای سرمایه‌گذاری دارند و برای دریافت این سود در مجامع شرکت می‌کنند

- **رشد قیمت :** در این روش معامله گر اوراق بهادار را در قیمتی کمتر از ارزش ذاتی و یا در کف نمودار قیمتی خریداری می‌کنند و با توجه به پیش‌بینی‌هایی که در تحلیل‌ها قبل از خرید انجام داده است اقدام به خرید نموده و از افزایش قیمت اوراق بهادار در زمان فروش سود شناسایی می‌کند

ریسک‌های اوراق قرضه

امروزه ریسک و نوسانات در کانون توجه تمام ناشرین، سرمایه‌گذاران و حتی مسئولان و کارشناسان کشورها قرار گرفته است. بدلیل اهمیت و اثر گذاری بالای ریسک در فرآیند تامین مالی و انتشار اوراق بهادار، باید ریسکها را شناسایی، محاسبه و مدیریت نمود. جهت بررسی دقیقتر ریسکهای اوراق بهادار، ریسکها بر اساس مدل شبکه ای به دو گروه ریسکهای مالی و غیر مالی تقسیم شده اند. منظور از ریسکهای مالی، ریسکهایی است که میتوان آنها را

مورد اندازه گیری کمی (با دقت نسبتاً بالا) قرار داد. در مقابل ریسکهای غیر مالی قابلیت اندازه گیری ندارند و یا اندازه گیری آنها بسیار مشکل است.

الف. ریسکهای مالی

1 ریسک جمع آوری وجوه نقد به میزان کافی:

ممکن است در مدت پذیره نویسی، تمامی اوراق بهادار به فروش نرسد. در این حالت ناشر و بانی با ریسک جمع آوری وجوه نقد به میزان کافی مواجه میشوند و نمیتوانند دارایی مورد نیاز خود را خریداری کنند. جهت پوشش این ریسک میتوان از خدمت تعهد پذیره نویسی نهادهای مالی از جمله شرکتهای تامین سرمایه استفاده کرد.

2 ریسک نکول:

به احتمال پرداخت نکردن به موقع تعهدات مالی ناشر ریسک نکول گفته میشود. در اوراق اجاره، نکول زمانی رخ میدهد که بانی نتواند یا نخواهد اجاره بهای سرمایه گذاران را به موقع پرداخت نماید. جهت اطلاع از این ریسک میتوان به رتبه اعتباری ناشر که توسط موسسات رتبه بندی اعتباری تعیین میشود مراجعه کرد. جهت پوشش این ریسک، میتوان از تضامین بانی و یا از ضمانت نامه های بانکی استفاده نمود. بانی میتواند سفته، چک یا مبلغی به اندازه اجاره بهای 3 الی یک یا چند دوره را در حسابی نزد امین قرار دهد، تا در صورتی که به دلایلی در برخی از ماه ها نتواند اجاره بها در اجاره وسود در سایر صکوک را پرداخت نماید، امین به صورت قانونی از حساب مذکور اجاره بها را کسر نموده و به سرمایه گذاران پرداخت نماید این راهکار جهت پوشش ریسک نقدینگی نیز مناسب میباشد. استفاده از ضامن راهکار دیگری برای پوشش این ریسک است. ضامن با دریافت مبلغی از واسط یا بانی میتواند میزان اجاره بهای دریافتی دارندگان اوراق را تضمین نماید. این راهکار مدتهاست که برای انتشار اوراق مشارکت مورد استفاده قرار میگیرد.

3 ریسک نقدینگی:

به احتمال ناتوانی شرکت در ایفای تعهدات مالی کوتاه مدت ریسک نقدینگی نامیده میشود. این ریسک ناشی از سه عامل عدم توانایی اجرای تعهدات مالی کوتاه مدت، عدم توانایی تامین منابع مالی کوتاه مدت در هنگام نیاز و نیز عدم توانایی تامین مالی کوتاه مدت با هزینه های مقرون به صرفه میباشد. در مورد اوراق اجاره ریسک نقدینگی عبارت است از ریسکی که بانی قادر به فروش محصولات یا خدمات خود به قیمت متداول بازار نیست و از این رو نقدینگی کافی برای پرداخت اجاره بهای اوراق وجود ندارد. دلایلی چون عدم وجود تقاضا جهت خرید محصولات را میتوان عامل ایجاد چنین ریسکی دانست. ریسک نقدینگی، یکی از ریسکهای مهم و قابل توجه برای بانی بوده و حتی ممکن است سبب ورشکستگی آن در شرایط نامناسب اقتصادی شود. این ریسک ارتباط نزدیکی با ریسک

نکول دارد. موسسات رتبه بندی اعتباری هنگام اعطای رتبه اعتباری به این ریسک نیز توجه ویژه‌ای دارند. مهمترین روشهای مدیریت این ریسک شامل نگهداری اوراق بهادار با قدرت نقدشوندگی بالا توسط بانی (مثل اوراق مشارکت)، استفاده از تحلیل شکاف نقدینگی بین جریانهای نقدی ورودی و خروجی، کسب خطوط اعتباری کوتاه مدت برای مواقع بحرانی، توسعه همکاری و ارتباطات با بانکها و قراردادن مقداری وجه نقد در حسابی مسدودی نزد امین جهت پرداخت اجاره بها در مواقع لزوم میباشد.

4 ریسک نرخ سود:

ریسک نرخ سود عبارت است از تغییری که در ارزش اوراق بهادار، بدلیل تغییر در نرخ بازده سایر فرصتهای سرمایه گذاری اتفاق میافتد. در مورد اوراق اجاره نکته حائز اهمیت آن است که سود (اجاره بهای) سرمایه گذاران در بسیاری از موارد ثابت است. به عبارت دیگر میزان اجاره بهای اوراق در زمان انتشار اوراق درامیدنامه و قراردادهای مرتبط کاملاً مشخص میشود و تنها حالت انعطاف پذیری که وجود دارد آن است که مبلغ اجاره بها با درصد خاصی که از ابتدا مشخص است رشد کند. از طرف دیگر از آنجا که نمیتوان اجاره بها را معلق به نرخ دیگری مانند نرخ سود علی الحساب اوراق مشارکت دولتی، نرخ سود علی الحساب سپرده های بانکی و... وابسته نمود بنابراین دارندگان اوراق اجاره در اکثر انواع اوراق اجاره، در هر دوره، اجاره بهای ثابتی را دریافت میکنند.

بدلیل ثابت بودن اجاره بها، افزایش نرخ سود علی الحساب اوراق مشارکت، سود سپرده های بانکی یا سایر فرصتهای سرمایه گذاری سبب میشود دارندگان اوراق با ریسک سود و هزینه فرصت سرمایه گذاری مواجه شوند؛ و در صورتی که اوراق اجاره دارای بازار ثانویه باشند کاهش ارزش بازاری آنها در پی خواهد داشت. بنابراین افزایش نرخ سود سرمایه گذاری بازارهای موازی، سبب میشود سرمایه گذاران در مقایسه با فرصتهای موجود، سود کمتری را دریافت نمایند زیرا خریداران با کاهش قیمت بازاری اوراق، سعی در جبران نرخ بازده مورد انتظار خواهند داشت. از اینرو دارندگان اوراق مشارکت با ریسک نرخ سود مواجه هستند. البته عکس حالت فوق نیز صادق است یعنی زمانی که نرخ سود علی الحساب اوراق مشارکت یا سپرده های بانکی کاهش یابد، قیمت بازاری اوراق مشارکت افزایش خواهد داشت.

5- ریسک سرمایه گذاری مجدد:

یکی از ریسکهای مرتبط با سرمایه گذاری، به خصوص در اوراق بهادار با درآمدهای میان دوره‌ای، ریسک سرمایه گذاری مجدد جریانهای میان دوره‌ای میباشد. به عبارت دیگر ریسک سرمایه گذاری مجدد، مربوط به داراییهای مالی است که بیش از یک جریان نقدی دارند. بازدهی اینگونه سرمایه گذاریها به نحوه سرمایه گذاری مجدد جریانهای نقدی که در طول دوره سرمایه گذاری دریافت میشوند بستگی دارد. این ریسک در جهت معکوس ریسک نرخ بهره (نرخ سود بانکی) تغییر میکند و افزایش نرخ سود سبب کاهش قیمت اوراق با درآمد ثابت شده و اثر

نامساعد بر ثروت دارندگان اوراق میگذارد. در حالی که اثر ریسک سرمایه گذاری مجدد جریانهای نقدی میان دورهای برای سرمایه گذاران مساعد و مطلوب است و دارنده اوراق میتواند جریانهای دریافتی ناشی از سود یا اجاره بها را با نرخ بالاتری سرمایه گذاری نموده و ثروت خود را افزایش دهد. برای اوراق بهاداری که فقط یکبار جریان نقدی خود را ارائه میکنند مثل اوراق اجاره ای که همانند اوراق قرضه بدون بهره باشد این ریسک وجود ندارد ولی برای اوراق بهاداری که سود یا اجاره بهای بالایی را پرداخت میکنند این ریسک بالاتر است. جهت کاهش ریسک سرمایه گذاری مجدد میتوان در اوراق اجاره ای که تنها یک سررسید دارند سرمایه گذاری نمود.

6. ریسک نرخ ارز:

انتشار اوراق اجاره برای سرمایه گذاران داخلی ریسک نرخ ارز را در پی نخواهد داشت مگر اینکه اجاره بها به صورت ارزی (دلار، یورو و...) پرداخت شود. بدلیل نظام نرخ ارز میخکوب (خزنده) حاکم بر کشور از یک سو و از سوی دیگر سود بالای اوراق بهادار با درآمد ثابت (مانند اوراق مشارکت فعلی) و نیز سپردههای بانکی در مقایسه با سایر کشورهای دنیا، برای سرمایه گذار خارجی مقرون به صرفه است که اوراق منتشر شده را به ریال خریداری نماید و بدین وسیله سود زیادی را کسب کند. امکان استفاده از این فرصت در صورتی فراهم خواهد شد که بانک مرکزی اجازه ورود و خروج ارز را برای این سرمایه گذاران صادر نماید و حمایتهای لازم از وی در مواجهه با نوسانات نرخ ارز صورت پذیرد.

7. ریسک نقدشوندگی:

نقدشوندگی یکی از اصلیتترین عوامل موثر در انتخاب اوراق بهادار به حساب میآید. نقدشوندگی یک ورقه بهادار، عبارت است از سهولت معامله ورقه بهادار در یک بازار خاص. نقدشوندگی در قالب زمان و هزینه، قابل بررسی و تحلیل است. با فرض پذیرش اوراق اجاره در یکی از بورسهای اوراق بهادار (مانند بورس اوراق بهادار تهران یا فرابورس ایران)، ریسک نقدشوندگی آن همانند سهام خواهد بود و بر اساس شرایط بازار (میزان تقاضا، میزان عرضه، نرخ تورم، نرخ سود بانکی، وجود یا عدم وجود بازارگردان و...) تعیین خواهد شد. ریسک نقدشوندگی را با ایجاد ساز و کارهایی مانند تعهد بازخرید اوراق توسط بانی، ناشر و یا ضامن، اعطای اختیار فروش به سرمایه گذاران، لیست شدن در یکی از بورسهای اوراق بهادار (تهران و یا فرابورس ایران) و نیز استفاده از بازارگردان در بازار ثانویه پوشش داد.

8. ریسک اعمال اختیار:

مهندسان مالی جهت طراحی ابزارهای مناسب، در برخی مواقع اقدام به طراحی اوراقی با ویژگیهای خاص مینمایند. برخی از اوراق بهادار اسلامی دارای یکسری از اختیارات برای طرفین (ناشر و سرمایه گذاران) میباشد. اوراق اجاره به

عنوان نوع خاصی از ابزارهای اسلامی نیز میتواند دارای چنین ویژگی هایی باشد. این اختیار ممکن است برای ناشر یا بانی اوراق باشد. از جمله اختیاراتی که میتوان برای بانی در نظر گرفت اختیار بازخرید اوراق است. در صورت وجود چنین اختیاری برای بانی، وی میتواند تا قبل از پایان سررسید یا در زمانهای خاص، اوراق را بازخرید نماید. وجود این اختیار سبب کاهش ریسک بانی و افزایش ریسک سرمایهگذاران خواهد شد.

اختیار فروش اوراق، از جمله اختیاراتی است که ممکن است برای سرمایه گذاران وجود داشته باشد. در طرف مقابل اگر سرمایه گذاران دارای اختیار فروش اوراق باشند، میتوانند در طول سررسید اوراق، در صورت کاهش قیمت اوراق با اعمال اختیار، آنرا به بانی بفروشند و بدین ترتیب خود را در مقابل ریسکهای مختلف (ریسک تورم، ریسک سود و...) پوشش دهند. این اختیار سبب افزایش ریسک بانی میشود. این نوع اختیار در ابتدای قرارداد اجاره و در قالب شرط ضمن عقد میتوانند ایجاد شوند. وجود چنین اختیاراتی برای هر یک از طرفین، به تناسب، ریسک اوراق را افزایش میدهد. وجود چنین اختیاراتی جهت کاهش ریسک یکی از طرفین است که به طور معمول افزایش ریسک طرف دیگر را در پی دارد.

9. ریسک هزینه های غیرجاری:

براساس قوانین فقهی و حقوقی، هزینههای غیرعملیاتی یا هزینه های غیر جاری دارایی موضوع قرارداد اجاره، بر عهده موجر میباشد. به عبارت دیگر موجر ملزم است هزینه هایی که جهت انتفاع از دارایی لازم و ضروری است را انجام دهد. به همین دلیل در اوراق اجاره نیز تمامی هزینه های غیرعملیاتی بر عهده دارندگان اوراق میباشد و بنابراین سرمایه گذاران با ریسک هزینه های غیر عملیاتی مواجه خواهند شد. به عنوان مثال فرض شود دارایی یک هواپیما باشد، آنگاه تمامی هزینه های اصلی که جهت انتفاع از هواپیما ضروری است بر عهده سرمایه گذاران خواهد بود. با فرض چنین حالتی ریسک دارندگان اوراق به شدت افزایش خواهد یافت.

ب. ریسکهای غیر مالی

1. ریسک شریعت:

یکی از مهمترین ریسکهایی که ابزارهای مالی اسلامی با آن مواجه هستند ریسک شریعت است. در ایران بدلیل اینکه قوانین و مقررات اسلامی دقیقی وجود دارد، ریسک شریعت نسبت به سایر کشورها پایینتر است. به علاوه لزوم دریافت مجوز انتشار اوراق بهادار اسلامی از سازمان بورس و اوراق بهادار به عنوان سازمان ناظر، این ریسک را به حداقل ممکن کاهش میدهد. سازمان بورس و اوراق بهادار به منظور حداقل نمودن این ریسک، "کمیته تخصصی فقهی" ایجاد نموده است تا اینگونه مسائل را از نقطه نظر فقهی به صورت دقیق مورد بررسی قرار داده و ریسک شریعت را به حداقل برساند.

2. ریسک قوانین و مقررات:

ریسک قوانین و مقررات یکی از انواع مهم ریسک سرمایه گذاران است. در زمینه این ریسک دو نکته حائز اهمیت است. نکته اول آنکه مجوز انتشار عرضه عمومی اوراق بهادار در بازار اولیه و ثانویه در عرضه های عمومی توسط سازمان بورس و اوراق بهادار صادر میشود. نکته دوم آنکه بسیاری از ریسکهای اوراق بهادار (به ویژه ریسکهای عملیاتی) را میتوان در قالب عقد قراردادهای حقوقی معتبر پوشش داد. بنابراین ریسک قوانین و مقررات با توجه به شرایط کنونی کشور نسبتاً اندک میباشد.

3. ریسک از بین رفتن کلی یا جزئی دارایی:

سرمایه گذاران با این ریسک زمانی مواجه میشوند که دارایی مبنای انتشار اوراق از بین رود. جهت پوشش این ریسک میتوان از پوششهای بیمه ای استفاده نمود. باید توجه داشت که تمامی داراییها با چنین ریسکی مواجه نیستند. به عنوان نمونه در صورتی که دارایی زمین باشد، با ریسک از بین رفتن دارایی مواجه نخواهد بود.

4. ریسک استهلاك تدريجي دارایی:

ریسک استهلاك تدريجي دارایی مربوط به اوراق اجاره ای است که مبتنی بر اجاره عملیاتی منتشر میشوند. دارایی پایه اوراق اجاره ممکن است استهلاك پذیر (مانند ساختمان یا ماشین آلات) یا استهلاك ناپذیر باشد (مانند زمین). در صورتی که دارایی استهلاك پذیر باشد نرخ و میزان استهلاك در امید نامه که توسط ناشر منتشر میشود به صورت دقیق آورده خواهد شد و سرمایه گذاران با اطلاع از میزان استهلاك اقدام به خرید اوراق مینمایند. در این حالت دارندگان اوراق با ریسک ارزش اسقاط دارایی هنگام اتمام قرارداد مواجه هستند (در صورتی که اجاره از نوع اجاره عادی باشد). به عبارت دیگر اگر دارایی در زمان فروش (اتمام سررسید اوراق)، قیمتی کمتر از میزان پیش بینی شده در امیدنامه داشته باشد، بازدهی سرمایه گذاران کمتر از بازدهی مورد انتظار خواهد شد، همچنین در صورتی که ارزش اسقاط بیش از میزان پیش بینی شده باشد با سود مواجه میشوند.

5. ریسکهای عملیاتی:

انتشار اوراق اجاره مانند هر ورقه بهادار دیگر دارای ریسکهای عملیاتی است. این ریسک در ابزارهای مالی اسلامی که از ترکیب چندین قرارداد به وجود میآیند و ارکان نسبتاً بیشتری نسبت به اوراق بهادار متعارف (مانند اوراق قرضه) دارند از اهمیت بیشتری برخوردار است. تدوین مقررات ناظر بر انتشار اوراق اجاره پوشش ریسکهای عملیاتی انتشار آن را در پی دارد. به نظر میرسد جهت انتشار اوراق اجاره، سه نوع ریسک عملیاتی قابل تصور باشد که عبارتند از:

- ۲- ریسک نفروختن دارایی به واسطه این ریسک با توجه به ساختار کنونی نهاد واسطه از بین رفته است
- ۳- ریسک اجاره نکردن دارایی توسط پاتی این ریسک از طریق اخذ تعهدات یا ضمانت نامه هایی از بانی حذف میشود

اصول مدیریت سرمایه در بازار بورس

در مبحث مدیریت سرمایه در بازار بورس، ما چند اصل اساسی داریم که باید بهشون توجه کنیم و اون‌ها رو مد نظر قرار بدیم. این رو مطمئن باشید که اگر این تکنیک‌ها رو به درستی رعایت کنید، در کمتر از یکسال حداقل دو تا سه برابر سرمایه‌ی خودتون از بورس سود می‌گیرید.

هیجانی نشوید.

اولین تکنیکی که باید توی مبحث مدیریت سرمایه در بورس رعایت کنید، بحث هیجان در معامله هاست. من تو مبحث تحلیل بنیادی بهتون این رو گفتم که خیلی از خبرها و خیلی از اتفاقات ممکنه روی بورس تاثیر بگذاره و برای مدت زمان کوتاهی باعث شه که بورس یه رشد خوب یا ریزش زیادی داشته باشه.

اما کسی این وسط موفقه که به کل از این هیجانات دوری کنه. وقتی میبیند بازار منفیه، نباید سریعا سهمتونو بفروشید. نباید سریع برید تو صف فروش. در مقابل هم باید به این نکته توجه کنید که وقتی بازار مثبتیه، نباید برید تو صف خرید.

این نکته رو از من داشته باشید که منفی‌های بازار، فرصت خرید هستن و مثبت‌های بازار فرصت نگهداری و یا فروش. یعنی وقتی بازار داره اصلاح میکنه یا به عبارتی میریزه، قانون مدیریت سرمایه در بورس میگه که سهم بخرید و وقتی که بازار مثبتیه باید صبری کرد و در نقطه مناسب فروخت.

پس دوری از هیجان و تکیه بر سواد و دانش بورسی مهم‌ترین کاریه که باید بهش توجه داشته باشید. اگر میخواید خیلی خوب این مسئله رو درک کنید، آموزش تحلیل تکنیکال رو دنبال کنید. اونجا در مورد حمایت‌ها و مقاومت‌ها براتون گفتم. حمایت‌ها فرصت خرید و مقاومت‌ها فرصت فروش یک سهم هستن.

سبد سهام داشته باشید

دومین قانونی که باید در بحث مدیریت سرمایه در بورس بهش توجه کنید، بحث سبد سهام داشته. این رو فک میکنم بارها شنیدید که اگر میاید تو بازار بورس، تخم مرغاتونو تو یه سبد نچینید. چرا؟ به این دلیل که اگر به هر دلیلی این سبد از دستتون افتاد، همه تخم مرغاتون نشکنه.

برای این کار شما باید با هر میزان سرمایه‌ای که وارد میشید، یه سبد سهام برای خودتون داشته باشید و این سبد سهام رو بر اساس دارایی خودتون، تنظیم کنید. اگر بخوام یه مثال براتون بزنم، باید بگم که مثلاً اگر ده میلیون تومان پول وارد بازار بورس کردید. باید حداقل این پول رو به سه بخش تقسیم کنید.

برای مثال. اگر شما ده میلیون پول داشته باشید و همرو بریزید تو یه سهم، اگر سهم یه منفی پنج بخوره شما پونصد هزار تومن پولتون رو از دست دادید. اما اگر سه تا سهمش کنید و یکی از سهمها منفی پنج بخوره. شما نهایت بین صد تا صد و پنجاه هزار تومن پول از دست دادید.

بهترین راه طبق اصول مدیریت سرمایه در بورس اینه که تو سبدتون سه تا پنج سهم داشته باشید. پس سرمایه‌ی خودتون رو تقسیم بر سه تا پنج قسمت کنید و هر کدوم رو در یک سهم سرمایه گذاری کنید.

از چند صنعت خرید کنید

یکی از نکته‌هایی که خیلی بهش توجه نمیشه و خیلی هم تازه واردا ازش ضرر میکنن، اینه که از گروه‌های مختلف خرید نمیکنن. ما تو بازار بورس، صنعت‌های مختلفی داریم که بهشون میگیم گروه سهام. مثلا وقتی میخوایم در مورد صنعت خودرو صحبت کنیم، میگی گروه خودرویی.

خب برای خرید سهم، با توجه به اینکه شما سبد قراره بچینید، بهتره که از گروه‌های مختلف خرید کنید. مدیریت سرمایه در بورس به شما میگه که اگر یه خودرویی تو سبدت داری، بعدی رو از یه گروه دیگه بخر. مثلا برو سراغ گروه غذایی.

این کار باعث میشه که شما جریان بازار رو در دستتون بگیرید. مثالش رو قبلا زدم. مثلا اگر خودرویی‌ها سود ده بودن و بانکی‌ها تو همان زمان، درجا زدن یا ریختن، شما نگران سرمایه نیستی، چون مدیریت سرمایه کردی و همزمان هم داری سود میکنی و هم از بازار جا نموندی. و ضررتم داره با سودت حداقل یر به یر میشه.

حد سود و زیان تعیین کنید

طمع کردن و حریص بودن تو بازار بورس، تضمین کننده ضرر کردن شماست. کسی تو بازارهای مالی بخصوص بورس موفقه، که برای خودش یه حد و حدودی از سود و ضرر رو تعیین کنه.

وقتی که ما یک سهمی رو با دانش میخریم. یعنی یاد میگیریم که تحلیل تکنیکال انجام بدیم روی سهم. یاد میگیریم که تحلیل بنیادی روی سهم داشته باشیم و بعد میخریم، اونوقته که ما به هدف‌های سهم آگاه هستیم. یعنی براش یه هدف سود تعیین می‌کنیم.

این میشه حد سود ما. ما برای هر سهمی که بهش ورود می‌کنیم، باید یه حد سود تعیین کنیم. این حد سود، خیال ما رو راحت میکنه که اگر سهم ما به اون قیمت مد نظر ما رسید، ما دیگه میفروشیم و یا سیو سود میکنیم. اما اشتباهی که خیلیا میکنن اینه که به حد سود پایبند نیستند.

در واقع طمع میکنن و وقتی تارگت سودشون زده میشه، با خودشون میگن که حالا بازم صبر میکنم و سود می‌کنم. در حالی که این اشتباهه. چرا؟ چون شما دارید بر خلاف قانون مدیریت سرمایه در بازار بورس عمل می‌کنید و این باعث میشه که از سودتون کم شه یا حتی ضرر کنید.

حد ضرر: هر حمایتی که از دست بره، میشه مقاومت و سهم تا حمایت بعدی ریزش میکنه. اگر شما حمایت سهمتون از دست رفت، جایه که باید به یه استراتژی درست مدیریت سرمایه فکر کنید.

به این صورت که وقتی یک سهم رو میخرید، باید به این نکته توجه کنید که این سهم حمایتش دقیقا کجاست؟ اگر روی حمایت خریدید، باید به این فکر کنید که چند درصد ضرر باعث میشه که شما دست از این معامله بکشید؟ این میشه حد ضرر.

مثالی از حد ضرر

وقتی که شما وارد یک سهم میشید، همونطوری که یه حد سود تعیین می‌کنید، یه حد ضرر هم باید بزارید. مثلا با خودتون میگی که من روی ۹۰ درصد سود میفروشم، اما رو بیست درصد ضرر سهم رو ردش میکنم و میرم یه سهم دیگه میخرم.

به حد ضررتون باید خیلی پاییند باشید، چون موندن تو به سهمی که داره وارد روند نزولی میشه و پاییند نبودن به حد ضرر باعث میشه که شما دچار ضرر بیشتر بشید. ولی اگر به حد ضرر پاییند بودید، میتونید به سهم بهتر پیدا کنید و برید به سود بهتر در به ناماد دیگه داشته باشید.

ریسک به ریوارد

قانون بعدی در مدیریت سرمایه در بورس، مدیریت ریسک به ریوارده. ما وقتی وارد به سهم میشیم، باید به این توجه کنیم که نسبت سود به ضرری که ممکنه توی اون سهم داشته باشیم، ۳ به ۱ باشه. یعنی چی؟

یعنی ما زمانی به معامله باز می‌کنیم و به ناماد رو خریداری می‌کنیم، که بدونیم میزان سودی که به ما میده سه برابر ضرریه که ما ممکنه در سهم بدست بیاریم. یعنی حد سود ما سه برابر حد ضرر ماست. بزارید به مثال براتون بزنم.

فرض کنید که شما به ناماد از خودرویی‌ها انتخاب می‌کنید که قیمتش ۱۰۰ تومنه. اگر تحلیلتون به شما گفت که این ناماد سی درصد رشد میکنه، یعنی حد سود شما میشه سی درصد و ممکنه که نهایت ده درصد ریزش کنه، یعنی حد ضرر شما بشه ده درصد، اونجا جایبه که شما باید برید مطمئن سهم رو بخرید.

پس ریسک به ریوارد، یا میزان ریسک به سودی که دریافت می‌کنید رو هم توی اولویت بزارید. این مسئله میتونه معامله‌های شما رو خیلی موفق تر کنه. چون اگر شما سه تا معامله این شکلی باز کنید. اگر دوتاشم تبدیل به ضرر بشه. شما سر جمع ۲۰ درصد ضرر کردید. ولی اون نامادی که به سود تبدیل میشه، ۳۰ درصد به شما سود داده و شما هنوز ده درصد جلویید.

این رو میتونم بگم که احتمال اینکه هر سه تاش منفی بشه، دیگه خیلی پایینه. یا خیلی باید فرد بد شانس باشه یا اینکه تحلیل بلد نباشه که سه تا تحلیلش و سه تا سهمی که خریده هر سه تا به حد ضرر رسیده باشه.

10 نکته طلایی برای مدیریت سرمایه در بورس

(ضرر را بپذیرید، بازنده بودن را نه.)

اولین نکته‌ای اینه که هیچ تضمینی وجود نداره که بازار بعد از به روند نزولی، حتما روند صعودی طی کنه و شما دوباره سود کنید و یا سر به سر بتونید از به سهم خارج بشید.

پس نباید هیچ وقت به این فکر کنید که اگر توی ضرر هستید، با صبر کردن میتونید از ضرر در بیاید و حداقل با به سود کمی سهمتون رو بفروشید. چرا؟ به این دلیل که شما در بازار سرمایه، قراره که بر روی فرصت‌ها سرمایه گذاری کنید و قرار نیست که با زمان و صبر کردن وارد یک معامله بشید.

چیزی که یک سرمایه گذار و تریدر رو موفق میکنه اینه که با توجه به اصول مدیریت سرمایه در بورس، بتونه از کوچک ترین فرصت‌ها، برای رسیدن به سودهای چند برابری استفاده کنه. خیلی وقت‌ها میشه که به فردی بدون تحلیل یک سهمی رو میخوره. مثلا میره سهم خسایا که خودروسازی سایپا هست رو میخوره. و به این فکر میکنه که خب این سهم که هیچوقت ضرر ده نخواهد بود، چون که همیشه ماشین هاش رو داره میفروشه و یکی از پر بازده ترین شرکت‌های ایران محسوب میشه. اما یکهو مشابه اتفاقاتی که در مرداد سال ۹۹ افتاد، سهام این شرکت بیش از سی درصد افت قیمت رو تجربه میکنه و اونوقت شما باید روزها این انتظار رو

بکشید که قیمت سهم برگردد. در حالی که اگر به تحلیل درست داشتید و اصول مدیریت سرمایه رو رعایت میکردید، میتونستید خیلی راحت، منتظر فرصتی باشید که سهم در کف قیمتی قرار بگیره و به سود عالی ازش بدست بیارید.

این مثال رو براتون زدم که اگر سهمی از هزار تومن بیاد ۵۰۰ تومن، شما ۵۰ درصد سرمایه‌تون از دست دادی ولی برای اینکه دوباره از ۵۰۰ بره هزار تومن، باید صد در صد سود کنید.

پس اگر دید درستی داشته باشید، میتونید خیلی راحت، فرصت درست رو پیدا کنید و بجای انتظار برای سر به سر شدن قیمت، اون سود صد در صدی رو بگیرید. خب حالا اگر به همچین اشتباهی رو در مدیریت سرمایه در بورس مرتکب شدیم و رفتیم تو ضرر باید چه کار کنیم؟

اینجا انتخاب با شماست. اینکه شما به جای صبر کردن برای اینکه به روزی بازار برگرده، باید روی اصل حد ضرر تمرکز کنید و بپذیرید که شما ضرر کردید. اما اگر این پذیرش رو نداشته باشید و احساس کنید که اگر الان سهمتون رو بفروشید، مایه شرمساریه براتون، مطمئن به جای یک کسی که در بازار بورس ضرر کرده، تبدیل میشید به کسی که به بازنده تبدیل شده.

پس ضرر رو بپذیرید،

ولی هیچ وقت بازنده نباشید.

یه تریدر و کسی که تو بازار بورس فعالیت میکنه، میدونه که **ضرر بخشی از بازاره**. پس به جای اینکه از ضرر خجالت بکشه یا احساس شرم کنه یا دوباره به یه معامله هیجانی دست بزنه، تلاش میکنه که با بالا بردن علمش، چند برابر ضرری که کرده، از بازار سود بگیره.

(2) با هر منفی از بازار فرار نکنید

یکی از اشتباهاتی که اکثر تازه واردها در بازار سرمایه انجام میدن اینه که با هر منفی، میخان از بازار فرار کنن. بگذارید یه مثال براتون بزنم. فرض کنید که شما در یک بازار صعودی وارد بورس شدید و معاملاتتون رو شروع کردید. در روزهای اول هم سود خوبی گرفتید و اکثر سهام هاتون با بالای ده تا بیست درصد سود در بازار دارن معامله میشن. اما یه روز بعد از چند روز سود دادن، بازار منفی میشه. یا اینکه شما یه سهمی رو با تحلیل امروز خریدید و فردا منفی میشه و با دیدن یه منفی، احساس می‌کنید که اشتباه کردید که وارد بازار شدید و از بازار میاید بیرون.

خب بگذارید یه حساب سرانگشتی کنیم که اگر شما در هر هفته و هر روز دو تا معامله بزنید. توی یه هفته تقریباً ده تا معامله میتونید داشته باشید. اگر از این ده تا معامله، پنج تاش فرداش منفی بشن و شما از بازار بیاید بیرون، در واقع شما چیزی حدود بیست و پنج درصد سرمایه خودتون رو دود هوا کردید.

پس نکته اینجاست که قرار نیست ما با نوسانات کوتاه مدت و یا اتفاقاتی که در لحظه میفته، مثل یه خبر بد، بخوایم نسبت به سرمایه گذاری خودمون واکنش نشون بدیم. اینکه ما یک میلیون سرمایه گذاری کرده باشیم و به پنجاه هزار تومن بالا و پایین قیمت واکنش نشون بدیم و پولمون رو از بازار بکشیم بیرون، خلاف اصول مدیریت سرمایه در بازار بورس هستش.

خب باید چکار کنیم؟ بهترین راه اینه که به استراتژی خودمون پایبند باشیم. به وقت‌هایی هستش که ما رو به سهام به دید بلند مدت سرمایه‌گذاری کردیم و اون سهام در بازه‌ای از سال، اوضاع خوبی نداره و به مقدار قیمتش افت میکنه، اما ما میدونیم که با توجه به طرح‌هایی که داره و با توجه به قیمتی که الان داره، سهم مناسبی برای سرمایه‌گذاری هست، پس قانون مدیریت سرمایه در بورس به ما میگه که به استراتژی خودمون وفادار باشیم و سرمایه‌مون رو به بازی نگیریم.

(3) به شایعات گوش ندهید

این اصل از مدیریت سرمایه در بورس رو همیشه رو به روی خودتون داشته باشید که هیچ خبری، تا زمانی که منبع موثقی تاییدش نکرده، برای شما نباید معیار معامله باشه.

یه اصطلاحی در بازار بورس آمریکا رایجه که میگن شایعه رو بخر و خبر رو بفروش. در واقع این یه حقه در بازارهای بورس محسوب میشه که با سرمایه داران بزرگ با این روش، با سرمایه‌ی خیلی از مردم بازی می‌کنند و سود می‌گیرند.

در واقع یه خبر یا یه حرفی توی بازار میپیچه و ما که هیچ اطلاعی نداریم که چه اتفاقی دقیقاً افتاده، از روی هیجان و از ترس از دست سرمایه، سریعاً سهاممون رو میفروشیم. یا حتی برعکس، یه خبر خوبی رو در بازار شایعه میکنن و بعد شما میرید سهم میخرید، ولی در اصل، سرمایه داران بزرگ قصد فروش سهامشون با این روش رو داشتن.

پس خبرها رو دنبال کنید، اما هر خبری رو معیار معاملات خودتون قرار ندید. مدیریت سرمایه در بورس به ما میگه که سرمایه‌ی ما، منبع اصلی درآمد و سود ما از بازار بورسه، پس ما نباید اون رو با هر چیز غیر معتبری آتیش بزنینم.

(4) استراتژی معین داشته باشید

همه‌ی ما اسم وارن بافت رو به عنوان یکی از بزرگترین بورسی‌های دنیا و یکی از بزرگترین سهامداران بازارهای بورس آمریکا میشناسیم و بارها و بارها، جملات معروفش رو شنیدیم. اما یک جمله‌ی بسیار معروف داره که میگه:

”در بورس، ثروت از افراد عجول به جیب افراد صبور انتقال پیدا می‌کند.“

در واقع این استراتژی سالیان سال آقای وارن بافت بوده. اون همیشه سهام‌ها رو با دید بلند مدت و برای بنیادشون میخریده و همیشه دنبال این بوده که سهم‌های ورشکسته رو پیدا کنه و با کار کردن بر روی این سهم‌ها، سود خوبی رو از آن خودش کنه.

پس چیزی که برای ما خیلی باید مهم باشه اینه که برای مدیریت سرمایه در بورس، ما اول از همه باید یک استراتژی داشته باشیم و از اون مهم تر اینکه باید به استراتژی خودمون وفادار باشیم. اینکه ما هر هفته یه استراتژی جدید برای خودمون طراحی کنیم، کار درستی نیست.

بلکه ما باید اول آموزش ببینیم، بعد تحقیق کنیم، بعد نتایج تحقیق رو، روی بازار بررسی کنیم و در نهایت یک استراتژی جامع برای خودمون طراحی کنیم و با توجه به اون استراتژی جامع معاملات خودمون رو انجام بدیم و سرمایه هامون رو چند برابر کنیم.

(5) روی یک روش معاملاتی تعصب نداشته باشید

خیلی از سهامداران احساس می‌کنن که اگر به روش معاملاتی، مثل تابلوخوانی یا تحلیل تکنیکال رو یاد گرفتند دیگه همه چیز رو بلدن و این باعث میشه که روی سرمایه هاشون قمار کنن. اما یکی از اصل‌های مدیریت سرمایه در بورس، اینه که شما تعصبی روی روش‌های معاملاتی خودتون نداشته باشید.

تعصب روی روش معاملاتی، روی تحلیل و روی یک سهم، باعث میشه که شما سرمایه‌تون رو از دست بدید و یا از فرصت‌های بازار جا بمونید. یک اصطلاحی رو در بازار داریم که میگه **هیچوقت با یک سهم ازدواج نکنید.**

در واقع سهم‌ها در بازار هستن که به ما سود برسونن. اینکه ما تعصب روی یک سهم داشته باشیم و یا بخوایم روی به روش معاملاتی و یا روی به سبک تحلیل خیلی تمرکز کنیم، باعث میشه که ما بقیه‌ی فرصت‌هایی که بازار به ما میده رو از دست بدیم.

(6) روی آینده تمرکز کنید و یک چشم انداز داشته باشید

ششمین اصل از اصول مدیریت سرمایه در بورس، اینه که شما همیشه باید نگاهتون به آینده باشه. این رو همه‌ی ما میدونیم که ما قیمت حال حاضر سهم رو میبینیم، رفتار گذشته‌ی سهم رو بررسی میکنیم برای سودی که در آینده میده، اون سهم رو خریداری میکنیم.

پس خیلی مهمه که ما یک چشم انداز داشته برای معاملات داشته باشیم که بتونه تریدها و معاملات ما رو منطقی تر و پرسودتر کنه.

حالا برای اینکه به این چشم انداز برسیم باید چه کار کنیم؟ بهترین راه اینه که بین زمان و قیمت یکی رو بعنوان مسیر معاملاتی خودمون انتخاب کنیم.

یه وقتی هست ما به سهم رو میخریم و به این فکر میکنیم که باید توی سه ماه آینده حداقل بیست درصد سود به ما برسونه. خب اینجا ما روی زمان حساب باز کردیم و عنصر زمان برای ما مهم تره و اگر اون سهم در سه ماه آینده پنجاه درصد سود داد، یا بیست درصد ضرر داد، برای ما چیزی که مهمه اینه که از معامله بیرون میایم و بقیه‌ی فرصت‌های بازار رو رصد می‌کنیم.

اما راه دیگه اینه که ما روی قیمت و ارزش یک سهم حساب باز کنیم و چشم انداز خودمون رو طراحی کنیم. فرض کنید که شما به این باور رسیدید که یک سهمی ارزشش هزار تومنه اما الان داره روی ششصد تومن معامله میشه. پس روی تارگت با حد سود و حد ضرر مشخص، حساب باز می‌کنید و معامله رو انجام میدید و زمان براتون از اولویت خارج میشه.

چیزی که خیلی باید روش تمرکز داشته باشید داشتن یک چشم انداز نسبت به آینده است. اون چیزی که الان دارید میبینید همون آینده‌ای هستش که چند وقت پیش بهش توجه نکردید و اگر الان هم برای آینده برنامه ریزی درستی نداشته باشید، طبیعتاً باز هم نمیتونید مدیریت سرمایه در بورس رو به درستی انجام بدید و سود خوبی بگیرید.

(7) روشن فکر باشید

خیلی‌ها شاید فکر کنند که روشن فکری در بازار سرمایه معنی نداره، کسانی که مدیریت سرمایه در بورس موفق هستند که به جای خرید کور کورانه سهام و تنها نگاه کردن به برندها، به سراغ سهمی برن که میتونه سود ساز باشه.

اگر همین الان از شما بخوان که بین یه شرکت گمنام در بورس که سود سازی خوبی داره و یه شرکت معروف که سود سازی متوسطی داره، یکی رو برای سرمایه گذاری انتخاب کنید، بر اساس شناختی که از برندها دارید، اون شرکتی رو انتخاب می کنید که اسمش رو بارها شنیدید.

این یه روش غلط برای مدیریت سرمایه در بورس هستش و این باعث میشه که خیلی از سودهای پنهان بازار رو از دست بدید. یه مثال ساده براتون میزنم که برید چک کنید و ببینید که چقدر این سهم بیش از هر سهم دیگه ای توی بازار ایران سود داده. اگر به نمودار سهم وسدید نگاه کنید، میبینید که بیش از دو سه هزار درصد در یکسال سهامداران این سهم سود گرفتند.

در حالی که خیلی ها حتی اسم این هلدینگ رو هم نشنیدن و خیلیا اصلا سراغ سهم هایی نمیرن که توی بازار زرد و نارنجی تو فعال هستن. اما دید خوب داشتن و روشن فکر بودن نسبت به بازار سرمایه و انتخاب سهم سود ساز، کاملاً خلاف چیزهایی هستش که مردم عادی فکر میکنند. پس به دنبال سهام هایی باشید که قابلیت سود سازی دارند، نه اینکه برنند هستن.

(8) فریب تحلیل دیگران را نخورید.

هیچ کس جز خود شما، دلش برای سرمایه ش نمیسوزه. شما وقتی تصمیم می گیرید به بازار سرمایه ورود کنید، سرمایه ای در دستتون هست که باید بر طبق اصول مدیریت سرمایه در بورس، اون رو به سود دهی برسونید.

پس شما باید خودتون دست به کار شید، آموزش ببینید و تحلیل کنید.

اینکه فریب کانال های تلگرامی و تحلیل های بدون پشتوانه یه سری از سایت ها رو بخورید، هیچوقت برای شما فایده ای نداره و جز ضرر در بلند مدت هیچ سود دیگه ای نداره.

پس همونطوری که برای سرمایه ی خودتون وقت گذاشتید و طی سالها اون رو جمع کردید، یه چند ماهی هم وقت بگذارید و بازار رو آموزش ببینید تا از سرمایه تون توسط خودتون محافظت بشه و کسی نتونه با چند تا حرف شما رو فریب بده که سهمی رو بخرید و بعد هم ضرر کنید.

(9) اعتبار از کارگزاری دریافت نکنید

هر کارگزاری بسته به سیاست هایی که داره، اعتبارهایی رو برای معامله گر ها قائل میشه که میتونن با اون معامله کنن و از سودش بهره ببرن، اما نکته اینجاست که اصل پول مال خودشون نیست و اگر ضرر کنن باید ضرر پول رو پرداخت کنن.

فرقی نمیکنه تازه وارد هستید یا اینکه سالها تجربه ی بازار رو دارید، چیزی که مهمه اینه که به هیچ وجه نباید با پولی که مال خودتون نیست و یه اعتبار کوتاه مدته، شروع به معامله کنید. بازار هیچ وقت قابل پیش بینی نیست، هر اتفاقی میتونه توی بازار بیفته و هر اتفاقی میتونه یه ضرر حسابی به شما بزنه.

پس تا جایی که سعی دارید، هیچوقت از اعتبار کارگزاری ها استفاده نکنید و روی پول خودتون معامله کنید. یادتون باشه که سرمایه دار شدن توی بورس، یک شبه و یک ماهه اتفاق نمیفته و بازار هم همیشه صعودی نخواهد بود.

10) روی پول بورس حساب باز نکنید

و آخرین و طلایی ترین نکته برای مدیریت سرمایه در بورس اینه که روی پول بورس و سودش هیچ وقت حساب باز نکنید. خیلی‌ها با این فکر میان تو بازار که با سودی که از بورس میکنن خرج دانشگاهشون رو بدن یا اینکه قسطای عقب موندشون رو تسویه کنن.

اما باید بهتون بگیم که روی پول بورس به هیچ وجه همیشه حساب باز کرد. این رو همیشه در برنامه ریزی‌های مربوط به مدیریت سرمایه در بورس لحاظ کنید که **یک بازار صعودی میتونه تو یه روز منفی بشه و برای مدت‌ها منفی بمونه** و یک بازار منفی میتونه یهو تبدیل به یه بازار صعودی بشه.

چیزی که برای شما مهمه اینه که پولی که تو بورس وارد می‌کنید، پولی مازاد بر سرمایه‌ای باشه که هر روز و یا در زمان‌های مهم بهش نیاز دارید. بهترین راه برای مدیریت سرمایه در بازار بورس اینه که به این باور برسید که پول بورس اصلا دیگه وجود نداره و اون مقداری که تو حساب کارگزاری هست، صرفا یه عددی که شما باهاش بازی میکنید.

و اما نکته‌ی آخر در مدیریت سرمایه در بازار بورس...

برای معامله‌های خودتون استراتژی داشته باشید. شما باید سهم هاتون رو به سه استراتژی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت تقسیم کنین و بر اساس این استراتژی مدیریت سرمایه در بورس داشته باشید. شما باید خواسته‌ی خودتون رو از هر سهم مشخص کنید.

اگر می‌بینید که یک سهمی آینده داره، یعنی تحلیل بنیادیش در وضعیت خوییه و می‌خواید برای یکسال دیگه این سهم رو نگهداری کنید، طبیعتا تو این یه سال نباید دیگه به این سهم دست بزنید و باید بگذارید که راهش رو بره. مگر اینکه حد ضرر شما رو فعال کنه.

و بعنوان توصیه‌ی آخر بهتون میگم که تا میتونید آموزش ببینید. آموزش در بازار سرمایه باعث میشه که دید قدرتمند تری به بازار داشته باشید. وقتی آموزش درست در اختیار داشته باشید و مدیریت سرمایه در بازار بورس رو هم رعایت کنید. اونوقته که سود شما تضمین شده است.

آموزش در بازار سرمایه و بورس

برای آموزش در بازار سرمایه و بازار بورس، شما راه‌های مختلفی دارید. اما مسئله اینجاست که این راه‌های مختلف به جای اینکه به شما کمک کنن، شما رو سردرگم می‌کنن. اینقدر مجموعه آموزشی تو ایران تولید شده و اینقدر هزینه‌های بالایی دارن که واقعا هیچ کس نمیتونه یه تصمیم درستی در مورد آموزش بازار داشته باشه.

ارکان اصلی مدیریت سرمایه در بازار سهام

هرچند برای مدیریت سرمایه روش و فرمول مشخصی وجود ندارد اما برای تدوین قوانین مدیریت ریسک و ارزیابی دقیق موقعیت‌های معاملاتی در بازار، شاخص‌های مرسوم وجود دارند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از

- ریسک
- بازده

- حجم معاملات
- نسبت بازده به ریسک
- نسبت افت سرمایه (حدضرر)

به منظور انجام معاملاتی اصولی و موفقیت آمیز، موارد اول تا چهارم را باید برای هر موقعیت معاملاتی و الزاماً پیش از ورود، بررسی نموده و در مورد آن‌ها تصمیم‌گیری کنیم. در واقع پس از مشخص نمودن این موارد مشاهده می‌کنیم که نقاط خروج و حداکثر سود و زیان مورد انتظار از موقعیت معاملاتی مذکور، با دقت معین می‌شوند. به وضوح می‌بینیم که مدیریت سرمایه در راستای موفقیت هر استراتژی معاملاتی نقش کاملاً حیاتی ایفا می‌نماید که چشم پوشی از آن نتیجه‌ای جز شکست در پی نخواهد داشت. حال پس از شرح مفهوم و اهمیت مدیریت سرمایه در بازارهای مالی و ذکر ارکان اصلی آن به بیان برخی از قواعد مرسوم و توصیه‌های رایج در این زمینه می‌پردازیم؛

- **پیش از ورود به معامله، باید ریسک و بازده مورد انتظار از آن را تعیین کنید.**
- محاسبات **مقادیر ریسک و بازده**، تابع مستقیمی از **نقاط خروج احتمالی و حجم معاملات** می‌باشد.
- طبق اصول سرمایه‌گذاری و توصیه بزرگان بازار، **حداکثر مقدار ریسک** در هر موقعیت معاملاتی، نباید از **۳ درصد** بیشتر شود!
- **حداقل مقدار مجاز نسبت بازده به ریسک**، برابر **۱ می‌باشد** و در غیر این صورت، ورود به معامله خطای بزرگی است.
- در صورت نیاز به داشتن چندین موقعیت معاملاتی **باز به صورت هم‌زمان**، باید **حداکثر ریسک قابل تحمل** را بین این معاملات تقسیم نمود.
- زمانی که به **بازدهی نجومی معاملات اعتباری و اهرمی** می‌اندیشید، **ریسک سنگین و چند برابری آن‌ها** را نیز مد نظر داشته باشید!
- **آستانه تحمل افت سرمایه** حساب معاملاتی خود را به طور دقیق مشخص نموده و زمانی که به دلیل **چندین معامله زیان‌ده** میزان افت سرمایه شما به محدوده خطر رسید، بدون تعلل فرآیند معاملات خود را **برای مدتی متوقف کنید**.